

زرتشتیان



ماهنامه

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

شماره ۵- بهار ۳۷۴۵ زرتشتی، ۱۳۸۶ خورشیدی، ۲۰۰۷ ترسای

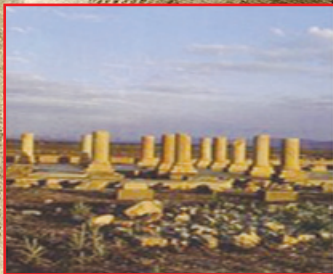
در این شماره:



چشم های فرخنده
فروردین



خون نوروزی یا
سفره هفت سین



پاسارگاد و
سد سیوند



بازمانده های
فرهنگی



نوروز
در گوشه و کنار جهان



سخن نخست

یادداشت سردبیر

جشن نوروز از کهن ترین و شادی آفرین ترین آیین های ایرانی است که از هزاران سال پیش تاکنون در تاروپود زندگی و باور ما ریشه دوانده است. نوروز به راستی یادآور یادمانده های دیرینه و زمان شادی و شادمانی و بیش از همه شناسه ملی ماست. برگزاری و شناساندن جشن نوروز و دیگر جشنهای ایرانی که از نیاکان به ما رسیده را باید هر چه بهتر برگزار نمود و آنها را به غیر ایرانیان و ایرانیانی که از گذشته های افتخار آفرین خود در سرزمین اهورایی ایران آگاهی کافی ندارند شناساند. چندی است که خبر از گفتارها و کردارهای ناشایستی در جهت نابودی فرهنگ ایران از سوی گروههای پلیدی در ایران و وابستگان آنان و دشمنان فرهنگ ایران در کشورهای خارجی شنیده و دیده می شود. از جمله گذاشتن و برگزیدن نامهای جاودان ایرانی بر روی افراد و شخصیت های منفی در فیلم ها و برنامه های رادیو تلویزیونی و تلاش در پایمال کردن و نابودی فرهنگ والای ایرانی و نامهای جاودانی شاهنامه می باشد. دیگر کوشش آنان در از بین بردن برای بازمانده های فرهنگی و پرارزش ایران اهورایی از جمله راه اندازی و آبگیری سد سیوند در پاساگرداست که باعث نابودی ده ها منطقه فرهنگی و به زیر آب رفتن آنها و آسیب به آرامگاه کورش بزرگ در پاساگرد می شود. نابودی بازمانده های فرهنگی نقش رستم و کشیدن خط راه آهن از کنار این مجموعه فرهنگی و چندین و چند تلاش دیگر برای نابود کردن بازمانده های فرهنگی ایران اهورایی تلاشهای این گروه از دشمنان فرهنگ تاریخ ایران و ایرانی می باشد. این افراد و سازمانهای وابسته به آن همانگونه که در داخل ایران تلاش در پایمال کردن و نابودی فرهنگ ایران اهورایی دارند، در خارج از کشور هم در گسترش آن می کوشند. اینها دشمنان فرهنگ ایران باستان هستند. و یا در سایت های خبری اینترنتی دیده میشود که افرادی هم که به ظاهر داد از ایران و فرهنگ ایرانی میزنند ولی در اصل و شاید بخاطر سودجویی خود با تیشه به ریشه این مهم می زنند. چنانچه در چندین سایت خبری اینترنتی از جمله گزارش شده که سازمان موزه لوور فرانسه در حال ساختمان یک بنای جدید این موزه در ابوظبی می باشد که از قرار معلوم در آخرین شماره راهنمای خود برای این موزه در ابوظبی نام خلیج فارس را فقط خلیج نوشته و چاپ کرده است. برابر با خبرهای نوشته شده در چندین سایت خبری اینترنتی امیر این کشور عربی با پرداخت میلیاردها دلار به کشور فرانسه و موزه لوور موجب نفوذ و جابجایی نام خلیج همیشه فارس در دفتر موزه شده است. اینها همه گوشه هایی از تلاش برای نابودی فرهنگ پر بار ایران اهورایی می باشد. ایرانیان میبایست با تلاش در راه شناختن و گسترش هر چه بیشتر فرهنگ ایران باستان و آگاه کردن جهانیان از هر آنچه که در راه نابودی این آثار می گذرد کوشا باشند و با اعتراض به مراکز جهانی به اینگونه بی مهری ها بکوشند. فرهنگ ایرانی فرهنگی است که بر پایه خردورزی بنا شده است و گستره ی آن از مرزهای ایران بسی فراتر می رود. فرهنگ انسان دوستی و مهرورزی و شادی از بخشهای این فرهنگ کهن می باشد. ما گزینه ای جز آگاه شدن و آگاه کردن نداریم. آگاه شدن به شناسه ملی و آگاه کردن دیگران. این بهترین راه برای شناساندن فرهنگ راستین ایران زمین است.

این چنین باد که آرزو داریم.

ماهنامه زرتشتیان

• فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، علمی، ادبی و غیر سیاسی
• بهار ۳۷۴۵ دینی زرتشتی برابر با ۱۳۸۶ خورشیدی برابر با ۲۰۰۷ ترسایبی

• شماره پنجم، تیراژ ۵ هزار نسخه
• سردبیر: مهرداد ماندگاری
• زیر نظر:
• گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

• با همکاری انجمن مدیران گردش ۱۴ مرکز:
• منیژه اردشیری، نسرین اردیبهشتی، آرمیتی یزدانی، هوشنگ فرهمند، اردشیر باغخانیان و شهریار افشاری
• ترتیب انتشار: هم اکنون هر سه ماه یکبار
• رایانه: رامین شهریاری
• تایپ و صفحه بندی از: حسن عزیزاده
• فرتور ها (عکس ها): Oshihan.org
• چاپ: LA WEB PRESS
• همکاران گروه انتشار:
• شهروز اش، موبد بهرام دبو، آرمیتا دلال، دکتر نیاز کسروی، دکتر زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری، نسرین اردیبهشتی، شاه بهرام پولاد زندی، مهزاد شهریاری، موبد کامران جمشیدی

• دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری دادند: دکتر برسام کسروی، دکتر پرویز کویایی، رستم شیر مردیان، منیژه اردشیری، دکتر توران بهرامی شهریاری، دکتر کورش امیر جاهد، مازیار قویدل، آذر نورافروز، خداداد خدابخشی، دکتر ناصر انقطاع و گروه نوجوانان مرکز زرتشتیان و نیما پتل

• ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه ی نویسندگان نوشتار می پذیرد. نوشتارها می باید با خط خوانا نوشته شده باشد. گروه انتشارات در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده بازگردانده نمی شوند.
• نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رای و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشد.

• نوشتارها را می توانید با پست و یا با پست الکترونیکی بفرستید.

Tel: 714- 893-4737
Fax: 714- 894-9577
Email: info@czcJournal.org
www.czcJournal.org

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتارها، فوتورها (عکس ها) و پیشنهاد های خود را به نشانی info@czcJournal.org برای مرکز بفرستید. فوتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای www.czcJournal.org می توانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

نوشتن سال ۳۷۴۵ دینی زرتشتی
۱۳۸۶ خورشیدی
به زمان ایران

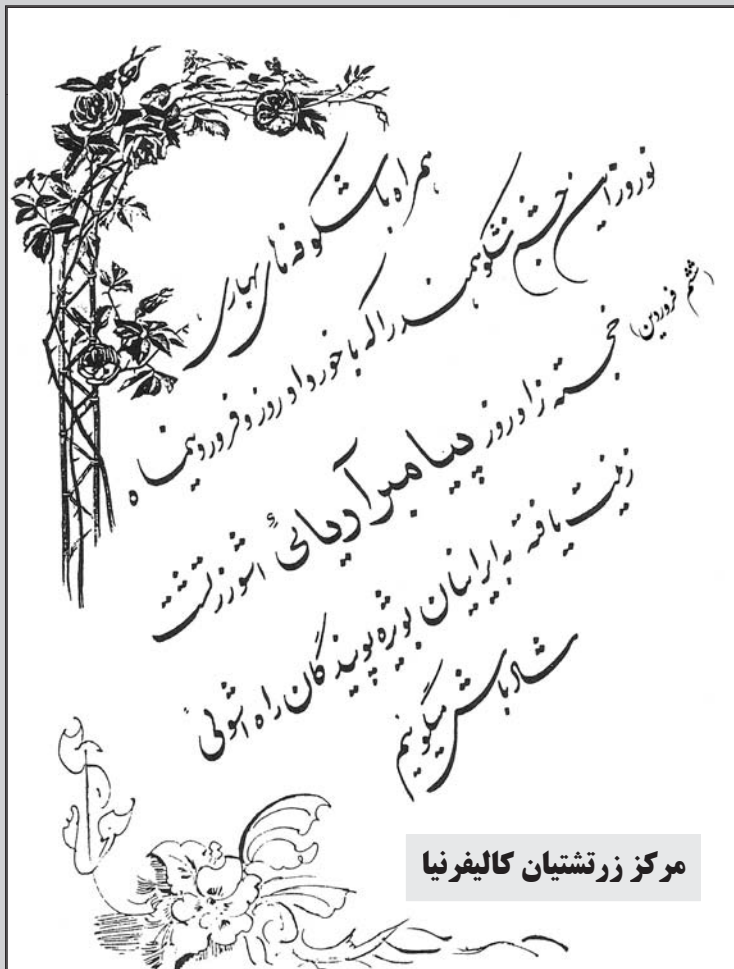
ساعت ۳ و ۳۷ دقیقه و ۲۶ ثانیه
بامداد روز چهارشنبه ۱ فروردین

و به زمان لوس آنجلس

ساعت ۱۷ و ۷ دقیقه و ۲۶ ثانیه روز
سه شنبه ۲۰ مارچ یکم فروردین، روز
اورمزد و فروردینماه چهارشنبه
۲۱ مارچ ۲۰۰۷

جشن نوروز خجسته باد

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



پروردگارا

بشود مانند کسانی باشیم که جهان را بسوی تازه گی و پیشرفت میبرد. ای خدواند جان و خرد و ای هستی بخش دانای بزرگ بشود که در پرتو راستی و پاکی از یاری تو برخوردار گردیم و زمانی که دستخوش بدگمانی و دو دلی هستیم اندیشه و قلب ما یکپارچه روی به تو آورد.

گات ها- هات ۳۰ بند ۹

از سرودهای اندیشه برانگیز و جاودانی زرتشت

با سپاس فراوان از دهشمندان گرامی

خانم شیدا و آقای دکتر اردشیر انوشیروانی
خانم گیلدا و آقای بهرام کسروی

که با گشاده دستی و پشتوانه ی مالی، به این رسانه یاری داده اند و انگیزه سرپا ماندن آن را فراهم آورده اند، ارج می نهیم.



CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

سالگرد ماهنامه

بیش از یک سال پیش نخستین شماره ماهنامه زرتشتیان چاپ و پخش شد. این رسانه برای نخستین بار با تیراژ بسیار بالا از سوی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به رایگان انتشار یافت. ماهنامه زرتشتیان یا ژورنال زرتشتیان از همان روزهای نخست مورد مهر بسیاری از خوانندگان و دلدادگان به ایران اهورایی قرار گرفت. براستی باید گفت که پشتیبانی و دلگرمی بسیاری از هم میهنان و دوستداران فرهنگ ایران باستان و مهر آنها به ما بیش از آن بود که ما انتظار داشتیم. آماج این رسانه آگاهی دادن و پیام رساندن فرهنگی و دینی به زبانی ساده و شیوه ای روان به تمامی فرهنگ دوستان و شیفتگان ایران اهورایی و همچنین آگاهی از گذشته پرافتخار و آینده ای روشن به نوجوانان و جوانان زاده شده و یا بزرگ شده در خارج از ایران که به زبان فارسی آشنایی کامل ندارند را در بر میگیرد.

سپاس پروردگار را که این نیرو و توان را بپردازد تا بتوانیم این کار فرهنگی را تا آنجا که میتوانیم انجام دهیم.

سپاس به آنانی که با اندیشه نیک و بدون هیچ چشم داشتی همواره پشتیبان فکری ما بوده اند. سپاس به تمامی نویسندگان و دبیرانی که ستون اصلی این رسانه هستند و سپاس به آنهایی که با دهش ها و پشتیبانی مالی خود به این رسانه ما را دلگرم کرده و این ماهنامه را استوار و سر بلند گردانده اند. درود ما بر شما هم میهنان و فرهنگ دوستان گرمی باد که با پیام های مهربان خود چه از راه تلفن، نامه و یا پست الکترونیکی ما را دلگرم می کنید و درود به مدیران و برنامه سازان فرهنگ دوست رسانه های همگانی ایرانی که پشتیبان و همیار ما بوده و هستند.

همانگونه که در یکسال گذشته این ماهنامه پیاپی و مرتب هر سه ماه چاپ و پخش شد، در آستانه سالگرد این نشریه ما همچنان در آگاهی دادن از تاریخ و فرهنگ ایران باستان که مایه سر بلندی و کامیابی ماست تلاش می کنیم.

به یاری پروردگار نه تنها این رسانه برای بیش از ۱۱۰۰ خانواده وابسته به مرکز زرتشتیان پست میشود، بلکه صد هانسخه آن برای دیگر انجمن های زرتشتی و مراکز فرهنگی در آمریکا و کانادا فرستاده میشود. این ماهنامه در بیشتر مراکز ایرانی، فرهنگی، دانشگاهی در جنوب کالیفرنیا پخش و در دسترس همگان قرار میگیرد که مایه سرفرازی ما می باشد.

مهر داد ماندگاری

نیا ستر نوروز

خدا یا بنام تو امروز را سپاسم بخت پرورد را
 خدا یا که تنها توانا تویی که دانای پنهان و پیدای تویی
 خدا یا مرا بخت نینداز کنی در آن خردمند و گفتار کنی
 مرا بخت از فرخه لرزیدی بزرگی و فرز را گلی و زردی
 مرا بخت از اندیشه بارور بمن نذر در بستان هنر
 بخت و بخت بدارم بلند بکار و بگوشت رنگه و نون
 در این گزشت سال کفایت بدین سال نو خوشتر از اینست
 چنان کن که هر روز نوروز باد که خردا کمور زرد پرورد باد
 بیارایم که من نوروز را که بخت شده زرت و زیارتی
 توان بر منمذکر در اینست همه زندگی است دی و بخردی
 بدل هر بنام بختینه زر باورنگ نام بنام از بخت
 باغ زنگ و باغ نامت که چنان کن که هر روز نوروز پرورد باد

زردی: دلانایی
 رنگه = پیره
 نون = نون

سروده دکتر نوروز ابراهیم

سه ابر مرد ایران زمین

سروده: توران شهریاری (بهرامی)



بر ستیغ افتخارات وطن
 نام زرتشت اولین یکتاپرست
 راستی و مهر و نیکی دین اوست
 مردمان در چشم او یکسان بدند
 با سه اصل جاودان و سرمدی
 بعد از او کورش روشن روان
 پرچم آزادی را بفراشت
 مهرورزی کرد با هر کس که بود
 لوحه اش بنیان آزادی بود
 زان سپس فردوسی آزاد مرد
 شعرهایش جان ز نو در تن دمید
 برد پی بر ریشه ها و بیخ ما
 داد با شهنامه ایران را توان
 گر چه بس ایرانی فرزانه نیز
 لیک بی تاینند در هر روزگار
 می درخشد نام فرمند سه تن
 افسری بر تارک این قله است
 صلح و انسان باوری آیین اوست
 چونکه آنان جملگی انسان بدند
 شد نمادی از فروغ ایزدی
 آن ابر مرد جهان باستان
 او حقوق هر کسی را پاس داشت
 پارسی و ماد و قارون و یهود
 بذر آزادی برش شادی بود
 خفتگان را در وطن بیدار کرد
 شور ملی در تن میهن دمید
 روشنی بخشید بر تاریخ ما
 آن توان شد، آرمانی جاودان
 بهر ما هستند پر ارج و عزیز
 آن سه انسان باور ایران تبار

پیشرفت یک جوان زرتشتی



با خشنودی به آگاهی میرسانیم که دوشیزه تاشا سروش به پایگاه (مقام) جانشین دادستان District Attorney Deputy Victorville, California در شهر برگزیده شده است.

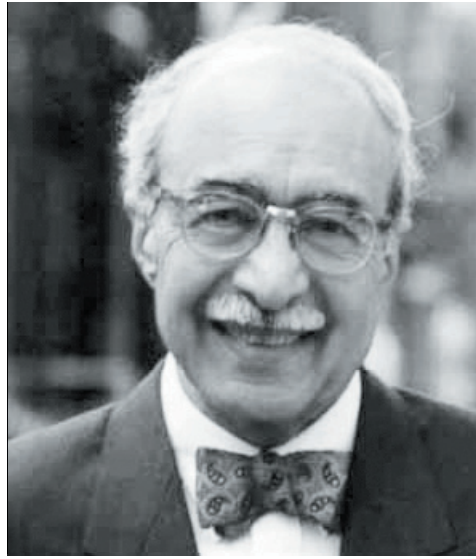
خانم تاشا سروش پس از پایان آموزش دانشگاهی در رشته قانون و حقوق از دانشگاه University of San Diego در استان کالیفرنیا State Bar Of California در سال ۲۰۰۱ گذارنید و پس از سپری کردن دوره کارورزی در سازمانهای در شهر Victorville بکار پرداخت.

پیشرفت و کامیابی این جوان ایرانی زرتشتی را که همه ما را سر بلند کرده است را به ایشان و پدر ارجمند او آقای دکتر فرهنگ سروش شادباش می گوئیم. گفت و شنود ما را با دوشیزه تاشا سروش را در بخش انگلیسی همین شماره بخوانید. اگر چنین جوانانی را می شناسید به ما بنویسید تا آنها را بشناسانیم.

آشنایی با فرهیخته و فرزانه ارجمند

استاد فرهنگ مهر

از مهر داد ماندگاری



خریداری کرده بود را او شروع کرد ولی بعد از او بیمه ایران آن را به بانک عمران فروخت. خدمات او در دانشگاه پهلوی شیراز زبانزد همه است. او دانشگاه را با کمک همکاران شایسته و دانشمندش شهرت جهانی داد. در آن دوره دانشگاه پهلوی با کمک سازمان جهانی بهداشت مرکز آموزش استادان پزشکی شرق مدیریتانه شد. مرکز مطالعه کنترل جمعیت با همکاری آمریکا، ترکیه، غنا و چند کشور دیگر شد. پزشکی روستایی و دامپزشکی سیار برای ایلات را آغاز کرد. مطالعات مربوط به استفاده از انرژی خورشیدی را بطور جدی عملی کرد. و در طول این مدت از مطالعه، سخنرانی، تالیف کتاب و نوشتار غافل نماند. او دهها کتاب و صدها نوشتار پژوهشی و اجتماعی چاپ و منتشر کرده است.

پس از انقلاب ایران او متأسفانه مجبور شد وطن را ترک کند. با مقام علمی که داشت در دانشگاه بوستن مدت پانزده سال با سمت استاد روابط بین المللی تدریس کرد و با درجه استاد ممتاز بازنشسته شد.

استاد فرهنگ مهر از جوانی به فرهنگ دین زرتشتی، شناختن و شناساندن آن علاقه داشت. پدر و مادر او هر دو در کارهای اجتماعی زرتشتی فعال بودند و برادر او دکتر بوذرجمهر مهر استاد دانشگاه تهران و نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی و هموند در انجمن زرتشتیان تهران بود. شادروان مهربان مهر پدر دکتر مهر پنجاه سال در سمتهای مختلف دبیری، خزانه داری، معاونت در انجمن زرتشتیان خدمت کرد. او همچنین پنجاه سال رئیس حسابداری کل مجلس، چندین سال در عین حال رئیس چاپخانه و کتابخانه مجلس بود و در امور حسابداری فرهنگ دهخدا و انجمن های مختلف فرهنگی و خیریه همکاری داشت.

نخستین فعالیت دکتر فرهنگ مهر در جامعه زرتشتی تشکیل سازمان جوانان زرتشتی در سال ۱۳۲۴ با همکاری جمشید کاووسی (دکتر) و شادروان جمشید زرتشتی بود. همچنین چاپ «اندیشه» مجله سازمان جوانان را با همکاری هئیت نویسندگان بعهده داشت. با مجله «هوخ» به مدیریت شادروان دکتر صرفه همکاری نزدیک داشت. با سرکار بانو فرنگیس یگانگی در انجمن فرهنگ ایران باستان و فعالیتهای زرتشتیان در بخشهای مختلف همکاری داشت. دکتر فرهنگ مهر ۱۸ سال هموند انجمن زرتشتیان تهران و ۱۲ سال آن را رئیس انجمن بود. از نظر سیاسی معتقد بود که در عین طرفداری از دمکراسی و آزادی باید با گروه حاکم بنفع

هنگامی که از دکتر فرهنگ مهر پرسیدم از میان کارهایی که عهده دار بوده اید کدامیک را بیشتر دوست داشتید گفت: دانشجویی و استادی. من همیشه دانشجو و استاد بودم و هنوز هم هستم. روزی که شادروان دکتر منوچهر اقبال رئیس هئیت مدیره و مدیر شرکت ملی نفت میخواست مرا قائم مقام خود در جنوب کند، شغلی که حقوق و مزایای آن چند برابر دانشگاه پهلوی شیراز بود نپذیرفتم. به شادروان هویدا گفتم که من در دانشگاه پهلوی از دانشجویان و استادان درس میگیرم و آنها را در اداره دانشگاه بکار میبرم و موفقیت خود را مرهون همکاران میدانم. ولی در مقامات دولتی فقط باید دستور داد که در اعتلاء روان انسان سودی ندارد.

با وجود این دکتر فرهنگ مهر نخستین ایرانی غیر مسلمان بود که به مقامات معاونت و کفالت وزارت دارایی رسید. چون زرتشتی بود وزیر نمیتوانست بشود مهذا مقام «معاونت کل» وزارتخانه را برای او درست کردند. او اولین و تنها ایرانی غیر مسلمان بود که به معاونت نخست وزیری و ریاست دانشگاه رسید و تنها ایرانی غیر مسلمانی بود که نشان درجه یک همایون با حمایل دریافت کرد.

هدف او در زندگانی برقراری شرافت اداری و مالی در دستگاههای دولتی، از بین بردن محدودیتهای غیر انسانی برای شهروندان ایرانی غیر مسلمان بود. او عاشق تدریس بود و ضمن مشاغل اداری هفته ای پانزده تا بیست ساعت در دانشگاههای تهران، ملی، مدارس عالی حسابداری، شرکت نفت، کالج بیمه و دانشکده افسری تدریس میکرد. او یکی از موسسین کالج بیمه بود که از دو بخش تشکیل میشد. بخش تدریس بزبان فارسی برای ایرانیان و به انگلیسی برای داوطلبان ایران، پاکستان، ترکیه و کشورهای دیگر.

او در هیئت امنای دانشگاه کرمان، مدرسه عالی کامپیوتر، کالج بیمه خدمت میکرد. در همه جا مردی سازنده بود. در وزارت دارایی در تجدید نظر در سازمان اداری، در شرکت سهامی بیمه ایران در برقراری بیمه شخص ثالث در رانندگی اتومبیل و در تاسیس بیمه مرکزی برای نظارت بر کار بیمه های خصوصی و تقویت آنها اقدام کرد. هتل شاه عباس در اصفهان در زمان مدیر عاملی دکتر مهر در بیمه ایران ساخته شد. او بود که تصمیم گرفت هتل باید با معماری ایرانی ساخته شود. تمام اثاثیه آن در ایران ساخته شود و از اجناس ایرانی خریداری شود. او بود که با معرفی جناب مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ با مهندس ابراهیمیان که هم در فرانسه و هم در ایران تحصیل کرده و در آموغ تازه از فرانسه مراجعت کرده و در مدرسه هنرهای زیبا تدریس میکرد آشنا شد و از او خواست که این هتل را صددرصد ایرانی تزین کند و با وجود فشار زنجیره هتل های خارجی مقاومت کرد. چند ایرانی را برای آموختن هتل داری به اروپا فرستاد و سرانجام هتلی را که افتخار ایران در جهان بود برپا کرد.

ساختمان زمینیهای فرحزاد را که شادروان نفیسی برای راه اندازی بیمه عمر برای بیمه ایران

رفت و از آن کنفرانس نتایج مثبتی گرفته شد. از جمله برای اولین بار در گردهمایی عده ای از اساتید دانشگاه تهران و آیت الله های اسلامی با حضور نماینده ایران در مجلس و شادروانان موبد شهزادی و موبد اشیدری و روسای انجمن زرتشتیان در باره ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی و «دیه» صحبت کرد و در امریکا هم آن را دنبال نمود.

پرفسور فرهنگ مهر از بنیادگزاران سازمان جهانی زرتشتیان (WZO) و عضو انجمنهای زرتشتی بوستون و نیویورک و لندن و اتحادیه انجمنهای زرتشتی امریکا FEZANA است و به دفعات به دریافت عالیترین نشانها و پلاکهای قدرشناسی جامعه جهانی زرتشتیان نایل آمده است. او یکی از دو نفری است که از نخستین کنگره جهانی زرتشتیان در تهران تا به امروز در همه کنگره های جهانی شرکت داشته است. او همچنین نماینده ایران در هیئت مدیره اپک بوده است. تقریباً به همه کشورهای جهان در ارتباط با کارهای اقتصادی، مالی، فرهنگی مسافرت کرده است و در رادیو و تلویزیونهای معروف انگلستان، فرانسه، آمریکا، ونزوئلا در باره مسایل مختلف سخنرانی و مصاحبه انجام داده است.



رستوران حاتم

در مکانی گرم و خانوادگی
با کیفیت عالی
با خوراک های خوشمزه ایرانی

سفارشات غذا برای میهمانی ها و مجالس شما
با بهترین قیمت

HATAM RESTAURANT

1112 N. BROOKHURST #6
ANAHEIM, CA 92801
(714) 991-6262



فرهادماندگاری

مشاور املاک

Cell Number: (949) 300-4195
Email: fredmandegari@kw.com

A.L.F & Associates Commercial Group
Listings and Sales of Multi-Residential units, Industrial and Commercial Businesses
Commercial Buildings, Commercial Lease, Hospitality, Land and
Your Real Estate Consultant in Orange and Riverside Counties
Contact me for Buying or Selling



A.L.F & ASSOCIATES

برگرفته شده از سایت شاهنامه و ایران

خوان نوروزی یا سفره هفت سین

نوشته مازیار قوبدل

راستی خوان نوروزی چیست؟ چه فلسفه‌ای دارد؟ از چه چیزهایی تشکیل شده‌است و آن چیزهایی که بر خوان نوروزی یا سفره هفت سین می‌نشینند نمود چه چیزهایی هستند؟ آیا خوان نوروزی یا سفره هفت سین یا هفت سین از هفت آخشپج یا عنصر طبیعی که نامشان با آوا یا حرف "سین" یا "شین" آغاز شده‌اند؟ آیا ... ؟ و آیا ...؟ اینها و بسیاری پرسشهای دیگر هر ساله و در هنگامه نوروز خجسته‌ی باستانی، برای بسیاری از ما و فرزندانمان پیش می‌آیند و پاسخگویی به آنها، بویژه در دیار غربت و برای آشنا نمودن فرزندانمان با فرهنگ پربار ایرانی، نه تنها لازم و ضروری که گاه حیاتی می‌نماید. مهمترین انگیزه گسترده خوان نوروزی را، سپاسگزاری آدمیان از داده‌های اهورایی و پروردگاری دانسته‌اند. بهمین سبب هم پاره‌ای گذاشتن کتابهای مقدس دینی بر سفره هفت سین را لازم نمی‌دانند، زیرا همانگونه که سعدی می‌گوید:

برگ درختان سبز در نظر روزگار
هر ورقش دفترست معرفت کردگار

آنان هر داده طبیعی که بر خوان نشسته را جهانی از رمز و راز و نشانه‌ای از توانایی و دانایی و مهربانی پروردگار یگانه می‌باشد را همچون کلام پروردگاری و بسنده می‌دانند و تنها دیوان حافظ و شاهنامه فردوسی را بر خوان می‌نهند. بسیاری دیگر کتاب آسمانی آیین خود را بر خوان می‌گذارند که اوستا یا گات‌ها برای زرتشتیان، تورات برای یهودیان، انجیل یا کتاب مقدس برای مسیحیان و قرآن برای مسلمانان است.

یورش اعراب و آورده شدن اسلام به ایران، وبخاطر حرام شمرده شدن شراب نزد مسلمانان، ایرانیان برای از میان نرفتن خوان نوروزی‌شان، ناچار هفت سین را بجای هفت‌سین بر سفره گذارده‌اند.

هفت چین:
در دوران گذشته و برای نمونه زمان پادشاهی هخامنشیان رسم بوده‌است که بر روی هفت ستون، هفت گونه دانه و گیاه همچون نخود، عدس، لوبیا، ذرت، برنج، گندم، جو، ماش، باقالی، و همانند آنها را می‌رویاندند و از آنجا که تمامی شرایط و ویژگیهای رویاندن آنها را یکسان قرار می‌دادند، هر کدام از دانه‌ها که بهتر و بارورتر رشد می‌کردند را برای کشت آن سال بر

دیگری هم فرآورده‌هایی فلزی که سینی (واژه عربی شده چینی) نامیده می‌شدند و امروز نیز نمونه‌ای از آنها را برای آوردن استکانهای چای و میوه و همانند آنها مورد بهره‌گیری قرار می‌دهیم و همان سینی می‌نامیم. در نوشته‌های کهن آمده است که خوان نوروزی عبارت بود از دانه‌ها و از فرآورده‌های کشاورزی همچون برنج، نخود، عدس، لوبیا، گندم، جو و میوه و گل، خشکبار و مانند آنها که در آوندهایی فلزی چینی یا همان سینی قرار می‌دادند و بر خوان می‌نهادند. بنا بر این دیدگاه، هفت سین باید هفت سینی باشد که اندک اندک کوتاه گردیده و هفت سین شده‌است.



می‌گزیدند. این کار افزون بر دربارهای شاهی و فرمانروایی در همه خانه‌ها نیز انجام می‌شد و رسم امروزی رویاندن سبزه پیش از نوروز و نهادن آن بر روی سفره هفت‌سین را هم سرچشمه گرفته از آن سنت می‌دانند. بنا بر این دیدگاه، خوان نوروزی می‌توانسته هفت چین نیز نامیده شود.

دیگر خوان یا سفره نشینان نوروزی:

بجز از هفت سین، بسته به رسم و آیین مردم هر منطقه، چیزهای دیگری نیز بر خوان یا سفره هفت‌سین نهاده می‌شود که هر کدام نمود و سمبل ویژه‌ای هستند. این چیزها عبارتند از: آیینه، ماهی (بیشتر سرخرنگ)، شمع فروزان و شمعدان، آتش و آتشدان، گلاب، تخم مرغ، نان، آوندی پر از آب که نارنجی در آن شناور می‌باشد، نقل و شیرینی، شکر، شیر، گل، بیدمشک، اسپند

یا اسفند، سمنو، میوه و از میان میوه‌ها انار و نارنج وجودشان در صورت موجود بودن لازم است. پاره‌ای نیز با نهادن شیره و شربت و شراب هفت سین و هفت سین را همراه می‌سازند. دیوان حافظ که بیشتر اروپاییان آنرا همچون کتاب مقدس ایرانیان می‌شناسند و شاهنامه فردوسی نیز در بیشتر سفره‌ها گذاشته می‌شوند. همانگونه هم که پیشتر آمد بسیاری از مردم کتاب مقدس آیین خود را بر خوان می‌نهند.

هفت سین نشین‌ها نمود و سمبل چه چیزهایی هستند؟

سبب نمودار راز و رمز عشق و دلدادگی و باروری است. سنجد نشانه مهر و عشق است.

سکه بیانی از برکت مادی و بی نیازی است. **سمنو**، بیانی گیاهی که خوردنش از بایسته‌های نوروزی است و آنرا نمود روانها و ارواح پاک یا فروهرها نیز می‌دانند.

سبزه، تازه روییده از گندم، جو، عدس، ارزن و دیگر دانه‌ها، نشانواره زایش و باروری و نوزایی و برکت در طبیعت. رنگ سبز آن رنگ ملی مذهبی ایرانیان باستان.

سماق و سیر، از داده‌های طبیعی پروردگاری. **سنبل و گل‌های دیگر**، نشانه‌ای از زیبایی طبیعت.

شمع و شمعدان، نشانه کانون گرم خانواده می‌باشد.

نان نشانه برکت است.

شیر نشانواره زایش و یادی است از آفرینش انسان. **تخم مرغ**، تخم و تخمه و نمادی است از نطفه و نژاد. انار، نمادی از باروری و میوه‌ای است که از دیرباز چون میوه‌ای مقدس مورد احترام مردمان نجد ایران بوده‌است.

اسپند یا اسفند، از سپنتا به چم و معنی مقدس و گندزایی کننده است.

آب، نشانه روشنی و پاکی است.

ماهی، نمادی است از جنبش و پویایی هستی. **نارنج و آب**، نماد آسمان. (فراموش نکنیم ایرانیان کهن از ستاره شناسان نامدار بوده‌اند). **آیینه**، نمادی از وجدان و بازتاب اندیشه، گفتار و کردار آدمی می‌باشد.

گلاب، بیانی است از عشق و دلدادگی.

گل بیدمشک، گل اسفند است و نشانه سپندارمزد.

نقل و شیرینی نشانه شیرین کامی است.



دین نیست. در ادامه دکتر محمد علی اسلامی ندوشن (از چهره های سرشناس ادب و فرهنگ ایران) به بیان سخنانی ارزشمند پیرامون فرهنگ ایران زمین، پیشینه آن و لزوم پاسداری این تمدن کهن پرداخت. او جاودانه ماندن ایران را در رویارویی با هجوم بیگانگان بررسی کرد و دلایل باقی ماندن فرهنگ چند هزار ساله آن را برشمرد.

بخش بعدی این مراسم نقالی شاهنامه توسط استاد امیر صادقی (از روایتگران صاحب سبک شاهنامه فردوسی) بود که با لباسی همانند فردوسی به نقالی قسمت هایی از این نامه کهن ایرانی پرداخت. وی در بخشی جداگانه به زبان شعر در نكوهش بلند شدن صدای زنگ تلفن همراه در هنگام سخنرانی ها، سروده ای اجرا کرد و نیز صحنه هایی از آیین گشایش نمایشگاه را که پیش از آمدن او برگزار شده بود، به زبان شعر بازگو نمود. در ادامه استاد صادقی با لحن حماسی و پرخروش خود داستان فریدون و پسران وی را روایت کرد. او سخنان خود را با بیان شعری در وصف فردوسی پاکرد به پایان برد و باشندگان این مراسم تشویق های گرم و کف زدن های بلند خود را بدرقه راهش کردند. در این مراسم حضور موبدان و بزرگان جامعه زرتشتی نیز همچون دیگر همکیشان پرننگ بود. باشندگانی از دیگر ادیان هم در این آیین گشایش شرکت پرشوری داشتند.

با سپاس از آقای رامین شهزادی و خانم پروا نیمریان
برای تهیه گزارش و عکس‌ها

هفت سین، هفت شین و یا هفت چین

هفت سینی:

در روزگاران کهن دوگونه فرآورده از کشور چین به ایران وارد می‌شد. یکی آوندها یا ظرفهایی که از جنس کائولین بودند و امروزه نیز در بیشتر خانه‌ها وجود دارند و بنام چینی شناخته می‌شوند،

گزارش نمایشگاه آیین و فرهنگ زرتشتیان

از تارنمای سازمان فرهنگی اشپین

نمایشگاه آیین و فرهنگ زرتشتیان

ایران - تهران - پروا نیمریان: امسال نیز نمایشگاه آیین و فرهنگ زرتشتیان به همت کانون دانشجویان زرتشتی و با همکاری فرهنگسرای ملل و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برگزار شد. این نمایشگاه که برای آشنایی هرچه بیشتر زرتشتیان و دیگر ایرانیان با فرهنگ پربار گذشتگان و آموزش های همواره نو و جاودان اشوزرتشت برپا شد، از دهم تا شانزدهم اسفند ماه در مکان فرهنگسرای ملل پذیرای علاقمندان و بازدیدکنندگان گرامی بود.



آیین گشایش: آیین گشایش این نمایشگاه درپسین روز پنج شنبه ۱۰ اسفند ماه در مکان فرهنگسرای ملل برگزار گردید. این مراسم با سرایش گات‌ها با آوای خوش شیوا جهانگیری آغاز شد و با خوش آمد گویی پریا ماوندی (مجری برنامه) ادامه یافت.

پس از آن رامین بامسی (دبیر کانون دانشجویان زرتشتی) با سخنانی کوتاه از تمام سازمان های دست اندرکار در برگزاری این نمایشگاه سپاسگزاری نمود و یادآور شد که هدف از پربایی این نمایشگاه تبلیغ

جشن های فرخنده ی فروردین

جشن فرخنده ی فروردین است
روز بازار گل و نسرين است

فرهنگ ایرانزمین با داشتن جشنهای گونه گونه اگر پر جشن ترین فرهنگ جهان نباشد بی گمان یکی از پر جشن ترین آنهاست. جشنها بن مایه ی دیدارهای گروهی و شادمانی های گروهی و اینها روزگار را شیرین و مردم را پر امید می کنند و بر چندی و چونی زندگی میافزایند. جشنهای ایرانی گر چه در سراسر سال و در همه ی ماهها گسترده شده اند، فروردین ماه از نگرشمار جشنها پر جشن ترین ماههای ایرانی است. این ماه چهار جشن دارد که نوروز، زادروز اشوزرتشت، سیزده بدر و فروردین گان هستند. من بر آن بودم که در باره ی این چهار جشن در این نوشتار بنویسم ولی با کمبود جا روبرو شدم. از اینرو تکا (فقط) در باره ی نوروز و زادروز اشوزرتشت مینویسم و دوتای دیگر را به آینده وامیگذارم.

۱ - نوروز

نوروز نخستین روز از نخستین ماه از نخستین چهره (فصل) سال است که بهار میباشد. درگاه شمار ایرانی هر سال چهار چهره و هر چهره سه ماه دارد. شش ماه نخستین سال هر یک ۳۱ روز، پنج ماه پس از آن هر یک ۳۰ روز و ماه پایانی سال ۲۹ روز و هر چهار سال یکبار ۳۰ روز دارد. با این نهشت (قرار) باریک بینانه جای رویدادها هرگز بهم نمی خورد و نخستین روز فروردین همیشه به نخستین روز بهار میافتد که نوروز است.

این از ویژگیهای گاه شمار ایرانی است که نخستین روز سالش و بزرگترین جشن میهنش در آغاز بهار و نو شدن پرهام (طبیعت) است. نیز اینکه آغاز چهره (فصل) همیشه در آغاز ماه است. دیگر اینکه ماهها بگونه ی سازمان یافته ای نخست هر یک ۳۱ روز، سپس ۳۰ روز و پس از آن ۲۹ روز دارند. من به گاه شمار بسیاری از کشورها نگریده ام و هیچیک را به آراستگی و سراسازی گاه شمار ایرانی ندیده ام.

چندتا نمونه بدهم. به گاه شمار فرنگی بنگرید که آغاز سالش در دل سیاه زمستان است، آغاز چهره ها هرگز در آغاز ماهها نیست و شمار روزها در ماهها به گونه ای در هم گاهی ۳۱، گاهی ۳۰ و یکی ۲۸ روز است. به گاه شمار عربی بنگرید که سالش مهشیدی است (نه خورشیدی مانند ایران) و هر سال ۳۵۴ روز دارد و از اینرو آغاز سالش که آغاز ماه محرم است همیشه چرخان و هر سال ده روز زودتر از سال پیش است. در گاه شمار عربی ماهها با چهره ها پیوستگی ندارند و آغاز سال میتواند گاهی در تابستان، گاهی در زمستان و گاهی پاییز یا بهار باشد. اینگونه ناهماهنگی ها در گاه شمارهای دیگر هم دیده میشود. ما باید گاه شمار کم مانندی را که داریم گرامی بداریم همانگونه که دیگر مانداک های فرهنگیمان را گرامی میداریم.

جشن نوروزی در زمان جمشید شاه پیشدادی نهاده شد که چهارمین پادشاه ایران بود. تاریخ زندگی او به روشنی دانسته نیست ولی سده ها و شاید هزاره ها پیش از هخامنشیان و هاتا (حتی)

دکتر زرتشت آزادی

پیش از اشوزرتشت بوده است. هخامنشیان از ۵۵۰ تا ۳۳۰ پیش از مسیح در کار بودند.

بنا به گزارش شاهنامه، جمشید شاه که پادشاهی دادگر و سازنده بود در آباد کردن ایران و سرفراز کردن ایرانیان بسیار کوشید. برای ارج گذاری به کوشش های پادشاه، ایرانیان در پنجاهمین سال پادشاهی او جشنی همگانی برپا کردند. جشن در نخستین روز فروردین ماه یعنی روز اورمزد از ماه فروردین (یا به گفته ی شاهنامه روز هرمز فرودین) بود. آن روز را روز نو یا نو روز نامیدند. نوروز از آنگاه نهاده شد و ماندگار گردید.

از شاهنامه بخوانید:

سر سال نو هرمز فرودین
بر آسوده از رنج و ز درد و کین
بزرگان به شادی بیاراستند
می و جام و رامشگران خواستند
به جمشید بر گوهر افشانند
مر آن روز را روز نو خواندند
چونین جشن فرخ از آن روزگار
به ما ماند از آن خسروان یادگار

یعنی در آغاز سال نو، به روز اورمزد از ماه فروردین (که یکم فروردین است) بزرگان

ایران رنج و درد و کینه را کنار گذاشتند، همایش شادی آراستند و می و جام و رامشگران فراهم آوردند. سپس در این جشن به پادشاه گوهر افشانند و روز را روز نو نامیدند...

جمشید نخست نامش جم بود. در روز جشن مردم تاجی از زر به سرش نهادند. روشنی خورشید به تاج زر میخورد و شیدی از آن بر می تابد که مردم این شید را جمشید گفتند یعنی پرتو جم و از آن پس خود شاه را هم جمشید گفتند. معنی شید پرتو یا روشنی است چنانکه خورشید روشنی خور و مهشید روشنی ماه است.

گرچه نوروز را شاه جمشید پیشدادی و ایرانیان همزمان او نهادینه کردند، ایرانیان دیگری هم بر آن کار کرده و ماندمان گذاشته اند. در زمان ملکشاه سلجوقی فرزانه ی ایرانی عمر خیام نیشابوری که از ۱۰۴۸ تا ۱۱۳۱ فرنگی میزیست شمارگرهای سپهری سال و ماههای ایرانی را به گونه ای باریک بینانه انجام داد و آراستگی و سراسازی گاه شمار ایرانی را او سازمان داد و به فرمان ملکشاه نهاده کرد تا نخستین روز فروردین همیشه به آغاز بهار بیفتد و نوروز جابجا نشود.

از آن پس نوروز بر پایه ی شمارگرهای خیام جشن گرفته میشد ولی گاه شماری که خیام بنیاد کرده بود بکار برده نمیشد زیرا گاه شمار رسمی که در ایران بکار میرفت گاه شمار عربی بود. در زمان پادشاه ایران دوست رضا شاه پهلوی این آیین نیز دگرگون شد و گاه شمار ایرانی، ماههای ایرانی با نامهای ایرانی در ایران به کار برده شد و تاکنون دنبال گردیده است. آغاز تاریخ ما هنوز عربی است که پسندیده نیست و باید بهنگام خود درست شود. کشوری که چند هزار سال در کار بوده چرا باید آغاز تاریخش رفتن پیغمبر اسلام از مکه به مدینه باشد؟ که نزدیک به ۱۳۸۵ سال پیش بوده است.

در هنگام نوروز ایرانیان سفره ی ویژه ی نوروزی میکشوند و کتاب شاهنامه، هفت سین، سبزی، گل، میوه، شیرینی و فرتور (عکس) شاه را بر آن میکشاندند. به هنگام نو شدن سال هموندان

(اعضای) خانواده بر سفره گرد میآیند و سرود میخوانند و سال نو را با شادی و خنده میپذیرند و به همدیگر نوروزانه (عیدی) میدهند. در روز سال نو یا روزهای پس از آن مردم برای گفتن شادباش نوروزی به خانه ی خویشان و دوستان میروند و روزهای دیگر در خانه میمانند تا دیگران به دیدن یا بازدیدشان بیایند. آیین دید و بازدید تا روز ۱۲ فروردین باید به پایان برسد و روز سیزدهم مردم به سیزده بدر بروند.

آنچه آوردم هماهنگ با زندگی روستایی و کشاورزی است. در زمان کنونی بیشتر مردم شهرنشین شده اند و در کارخانه ها و سازمانها کار می کنند و نمی توانند کار خود را نزدیک به دوهفته برای آیین نوروزی کنار بگذارند. از اینرو بجاست که برخی از ویژگیهای نوروز دگرگون شود و با زمان هماهنگ گردد. بجای دید و بازدید دوازده روزه خوبست همه ی خویشان در یکروز



عکس از: اردشیر باخانیان

در یکجا گرد آیند و همه ی روز را با شادی و خوشی و خوراکیها و نوشاکهای گوناگون با هم بگذرانند. یک چنین روزی هم میتوان برای دوستان و همکاران گذاشت.

۲ - زاد روز اشوزرتشت

زرتشت پسر پوروشسب و دغدوی در خورداد روز از ماه فروردین که روز ششم فروردین است زاده شد. یکی از سرایندگان که شاید زرتشت بهرام پژدو باشد در این باره سروده است:

به خوردادروز از مه فرودین

پدید آمد آن رهبر پاکدین

سال زایش و زندگی زرتشت ناروشن است زیرا نوشته های کهن تاریخ های گوناگون را گزارش داده اند که از ۶۰۰ سال تا ۶۰۰ سال پیش از مسیح کشیده میشود. زنده یاد ذبیح بهروز که به گاه رضا شاه بزرگ استاد دانشکده ی افسری ارتش شاهنشاهی ایران بود با شمارگری (محاسبه) های گزارش داده است که زایش زرتشت ۱۷۶۷ سال پیش از زایش مسیح بوده است. ایرانیان زرتشتی همین تاریخ را پذیرفته اند و چون زرتشت در سی سالگی به خشوری (پیامبری) برخاسته آنان سال و خشوری او را بنیاد تاریخ زرتشتی کرده اند.

برای همین است که اکنون سال زرتشتی ۳۷۴۴ است و همین نوروز ۳۷۴۵ میشود. گزارش ذبیح

بهروز در شماره ی ۱۵ گاهنامه ی ایران کوده که به سال ۱۳۳۱ خورشیدی در تهران بیرون آمده چاپ شده است.

شهر زادگاه زرتشت نیز ناروشن است. برخی او را از ری، برخی از آذرآبادگان و برخی از خوراسان دانسته اند. او در شهر بلخ در دربار شاه گشتاسب کیانی بود. شهر بلخ که اکنون در افغانستان است بخشی از خوراسان بزرگ بوده است. افزون بر آن کارشناسان گفته اند که گاتاهای که سروده ی زرتشت است به گویش های شمالی ایران نزدیکی فراوان دارد. مردم تاجیکستان نیز باور دارند که زرتشت در تاجیکستان زاییده شده است. تاجیکستان نیز بخشی از خوراسان بزرگ بوده است. دینی که اشوزرتشت ارزه کرد نخست دین مزدیسنی نام داشت. سپس آن را دین زرتشتی نامیدند. اشو واژه ای اوستایی و معنیش پاک است. اشو زرتشت یعنی زرتشت پاک. آدم پاک به فریب و دورنگی و دویینی (تعیض) و دروغ آلوده نیست. اشو زرتشت دین خود را به شاه گشتاسب کیانی ارزه کرد و او پس از بررسی ها و رایزنی های فراوان آن را پذیرفت و پذیرفتن آنرا به ایرانیان سپارش کرد. چامه سرای زرتشتی محمد احمد دقیقی که نزدیک به سال ۹۵۰ فرنگی در خوراسان میزیست گزارش آنرا سروده است. این گزارش اکنون بخشی از شاهنامه است و نام آن شاهنامه دقیقی است. چند تازاز سروده هایش را بخوانید:

به شاه کیان گفت پیغمبرم

سوی تو خرد رهنمون آورم

بیاموز آیین و دین بهی

که بی دین نه خوبست شاهنشهی

چو بشنید از او شاه بهدین به

پذیرفت از او راه و آیین به

همه سوی شاه زمین آمدند

ببستند کشتی به دین آمدند

پدید آمد آن فرره ایزدی

برفت از سربدسگالان بدی

برخی از ویژگیهای دین زرتشتی این است که اندیشه ها، گفتارها و کردارها باید بر بنیاد نیکی برای همگان باشد. دیگر اینکه آدم زرتشتی این چیزها را باید از خود آغاز کند و سختی ها یا ناسازی های دیگران او را از راه نپیچاند. آدم زرتشتی باید برای جامعه نخست بی زیان و سپس سودمند باشد و در راه بهسازی جهان و بهسازی زندگی برای همگان بکوشد. برای همین است که دین زرتشتی، دین بهی هم نام دارد. باورمند به دین زرتشتی باید از زمین، آب، هوا و دیگر داده های خداوند بهره بگیرد ولی آنها را نیالاید و از بهره دهی نیندازد. پیرو راستین زرتشت پاک کسی است که همه ی اینها را بکاربندد نه اینکه به آنها وانمودگری (نظاھر) کند.

در این بهار که جشن های فروردینی را برگزار می کنیم یاد کسانی که این جشن ها را بنا نهادند و فرهنگ گرامیمان را پر بار کردند گرامی بداریم.

جشن های فروردینی فرخنده باد

برای دریافت کتاب

واژه های پارسی برای پارسی زبانان نوشته ی دکتر زرتشت آزادی

به تلفن ۹۶۰۶-۵۷۲-۷۱۴ زنگ بزنید و یا به نشانی زیر نامه بنویسید.

P.O. Box 1285, Placentia, CA 92871

پاسارگاد ، همچنان در چنگال سد سیوند

آذر نورافروز

رطوبت ها بررسی شده، اخبار چندان هم رضایت بخش نبود، سنگ بناها رسوبی بود و با نم و رطوبت تخریب می شد، به نظر متخصصان امر، جهت بادها هم از سمت محل سد به تنگ بلاغی به افزایش دراز مدت رطوبت محل و فرسایش سنگها و رویش گیاهان و در نتیجه ترک خوردن سنگهای بنا کمک می کرد.

خلاصه در این دو سال و اندی بحث ها و تلاش ها لحظه ای متوقف نشد. موسسه ها در داخل و خارج برای پاسداری از آرامگاه کوروش قد علم کردند. سایت ها آمدند، فیلتر شدند و رفتند. فیلتر ها شکسته شد، دوباره آمدند، شخصیت‌های علمی - فرهنگی و اجتماعی حتی هنرمندان و ورزشکاران با هم متحد و یکدل می شدند تا فریادشان را بلند تر برسانند. انگار روح بزرگ کوروش یکبار دیگر پس از آن دوره ی به اجبار خفته ی چندین هزار ساله دوباره بیدار شده بود تا مانند آن زمان که اقوام و ادیان ایرانی را متحد کرد، دوباره معجزه اش را تکرار کند، گرچه این بار فقط ایرانی ها نبودند همه دنیا به حال این بزرگمرد تاریخ که کتیبه اش سرلوحه سازمان ملل متحدشان بود دل می سوزاندند، شاید به یمن این حادثه تلخ، داخلی ها و خارجی هایی که سالها در پیله روزمرگی به خواب رفته بودند آرام آرام بیدار می شدند و سرک می کشیدند.

باری ... نشستند و گفتند و برخاستند. راه حلها یکی پس از دیگری می آمد، از راه حل‌های محکم و تند رو گرفته تا پیشنهادها و زمزمه های آرام و محافظه کارانه.

- سد را خراب کنیم

- پتکی بر سر دست اندر کاران؛ مخالفیم، با آن همه هزینه چه کنیم. صداهای شعار گونه و پر مدعای همیشگی بلند می شود، عمران کشور را فدای مثنی خاک نکنید و آینده را فدای گذشته. آب، طلای قرون آینده است و مایه اقتدار کشور. منابع آبی به زودی از نفت هم با ارزشتر می شوند.

رئیس میراث فرهنگی از تشکیل موزه آثار فرهنگی زیر آب خبر می دهد، پیشنهاد عجیبی است، انگار کاریکاتورهای پاسارگاد روی آقایان خیلی اثر گذاشته، حتی طراحان کاریکاتور هم نمی توانند جلوی خنده شان را بگیرند.

کم کم کارشناسان زیست محیطی هم به میان می آیند: با ساخت سد دریاچه های اصلی شیراز خشک می شود. ساخت سد راه حل خوبی حتی برای محیط زیست هم نیست.

باورنکردنی است، برخی از کارشناسان معتقدند حتی این کار می تواند باعث ایجاد زلزله در منطقه شود. مهندسان هم وارد گود می شوند. بستر سد رسوبی است آنها را می خورد. این پروژه و این همه هزینه از اول هم اشتباه بود. با چند تا بند به جای سد که حتی چندین هزار سال پیش زمان هخامنشیان هم به فکر ایرانی رسیده بود کار بدون هیچ هزینه ای حل می شد.

- خوب حالا که ساختیم. بگوئید حالا چه کنیم؟ ایده آلیستها و آرمان گراها هم ساکت نمی نشینند.

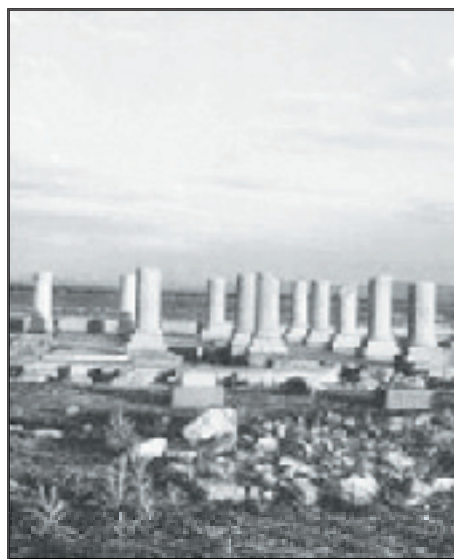
خوب کاری ندارد کمی خرج کنید. مصر را ببینید به خاطر چند تا از معابد پرتوریست، مسیر آب یکی از رودخانه هایش را تغییر داد، چرا ما نتوانیم؟ کاوشگران میراث فرهنگی می گویند: ای بابا منحرف کردن آب پیش کشان، لااقل به جای دو سال چهار تا پنج سال وقت بدهند تا تمام آثار منطقه را نجات بخشی کنیم، آخر با سرعت جت هم نمی شود به این زودی این همه آثار نهفته و در حال کشف را نجات داد، آن هم با این امکانات و شرایط محدود.

نخستین سند راهسازی جهان، بهترین کارخانه های سفال سازی و کوره های ذوب فلزات، کاخهای داریوش، دهکده تازه کشف شده غنی از رد پاهای تمدن و اجتماع بشری آن روز، مجسمه های سفالین، اسناد جالب توجه و... خلاصه خوراک سالهای سال باستان شناسان خارجی برای اینکه بیابند، پژوهش کنند و بدانند تروریسم نبودیم، تا بشناسند و باور کنند مارا و سرمایه بریزند در خاک اهورایی و پر نعمت ایران که چند سالی است تنها از آن برداشته و برداشته اند و کم کم بوی تشنگی، نداری و فقر از فردای آن به مشام می رسد.

برخی معتقدند با آثار تاریخی می توان در این آشفته بازار کنونی آبروی کشور را خرید، هویت ملی را بازسازی کرد، سرمایه های رفته را بازگرداند، اعتماد بنفس از دست رفته جوانان را دوباره به آنان بخشید و هزاران هزار دیگر. اما مثل همیشه گروهی هم ایستاده اند و با غوغا و هیاهوی آبادسازی روبنا، در راستای منافع شان، تیشه را می زنند به زیربنای فرهنگ، هویت، عشق و آبروی یک ملت.

باز هم آقایان راه حل می خواهند. بهترین و آخرین راه حل مثل همیشه گفت و گو است. گفتگویی که گروهی آن را سناریو می خوانند و معتقدند نتیجه اش از پیش معلوم است.

نهاد ها دور هم می نشینند. گفتگو یا به قولی نمایش آغاز می شود. مسئولان سد سازی می گویند: هزینه را می دهیم سریعتر آثار را نجات بخشی کنید. کارداریم می خواهیم آب



را در سد بیندازیم، پول مملکت دارد به باد می رود، لایه های مردمی و سازمانهای غیر دولتی مثل همیشه در این سالها فشار می آورند و تلاش می کنند و فریاد می کشند، پروژه چند ماه عقب می افتد، اما اصل هنوز هم بر آبرویی سد است. در آخرین مرحله همه کنار می کشند و کار را به مسئولان این کار یعنی میراث فرهنگی وا می گذارند. اما در یک چشم به هم زدن دست اندر کاران میراث فرهنگی کشور رنگ عوض می کنند، باور کردنش آسان نیست. میراث فرهنگی تیر خلاص را می زند و می گوید: سد را بسازید عملیات نجات بخشی ما پایان یافته و آماده ایم. نفس ها در سینه حبس می شود و در اوایل بهمن ماه

۸۵ یعنی سالی که گروهی از دوستداران کوروش آنرا سال پاسارگاد نامیده اند صدای پای آبرویی سیوند محکم تر از همیشه به گوش می رسد. شوربختانه انگار هنوز عده ای بر آنند که مثنی خاک ارزش این همه هیاهو را ندارد ولی آن سوتر گروهی از شیرازی ها برای همین مثنی خاک در تدارک اعتراض و اعتصابند که به خیابان ها بریزند و مخالفتشان را با این به اصطلاح نشانه آبادانی و سازندگی شهرشان اعلام کنند و گروهی هم با به یدک کشیدن نام میراث فرهنگی در تدارکند تا مثل همیشه حضورشان را خاموش کنند. حتی کوروش نیکام، نماینده زرتشتیان ایران در مجلس شورای اسلامی هم ساکت نمی نشیند و با آبرویی سد سیوند مخالفت کرده و آن را از پایه و اساس غلط می خواند. مثل همیشه او و دیگران می گویند و سایت ها می نویسند، اما گوش ها نمی شنوند. دوباره تنها مانده اند آتھایی که فریادشان از جنس قدرت حاکم نیست.

موضوعات این چند سالی را که در نشریه مان بودم در ذهنم دوره می کنم، شوک های فرهنگی که به ایران و فرزندانش وارد شده است. ارگ باستانی بم می ریزد، در کنار معبد کهن چغازنبیل اهواز چاه نفت حفر می شود، بزرگداشت سه هزار سال فرهنگ زرتشتی را تاجیکستان می گیرد و تاجیکها زادگاه زرتشت را کشور خودشان ذکر می کنند. ایران نمی تواند نوروز، جشن باستانی هزاران ساله اش را به ثبت میراث معنوی جهان برساند، در محوطه میدان جهان نما برج مزاحم تا مدتها از ثبت اثر در میراث جهانی جلوگیری می کند، چهارباغ اصفهان در بزم عبور مترو و لرزش و تخریب می ماند، اشیای عتیقه قاچاق می شوند، تخت جمشید بارها در تب و اضطراب برچسب مظهر شرک و طاغوت خوردن تا آستانه نابودی پیش می رود، بازسازی و رسیدگی به آثار باستانی ارزش آور و صنعت توریسم در اولویت آخر قرار می گیرد، لیدرهای تورها با سواد نیم بندشان تاریخ را در ذهن فرزندان فردای ایران و جهان دستکاری می کنند، کتابهای تاریخ پیش از اسلام برگهایشان سال به سال ریزش می کند و در یک روند آرام و هوشمندانه به فراموشی سپرده می شوند. فضای علمی و فرهنگی دانشگاهها بارها

بستر زد و خورد و تاراج می شوند، رسانه های آزاد سرکوب می شود، فرزندان حقیقی ایران از کشورشان نا امید می شوند و بار سفر بسته و به دور دستها پناه می برند، دستهای خودی و بیگانه آماده می ایستند تا برای مهاجران اشک آلود کف بزنند، نامهای پر مفهوم ایرانی یکی پس از دیگری رنگ می بازند، عرب ها و پشتیبانان قوی هیکلشان همچنان برای تاسیس دانشگاه خلیج عربی در بحرین کف می زنند و سرمایه سرازیر می کنند. قطره اشک ایرانی در چشمانش می خشکد و بغضش آرام آرام فروخورده می شود از گلو که بیرون می جهد، دیگر «درو» نیست «های» است.

انگار ایرانی محکوم است بایستد تا ببیند خاک معتدل و پر نعمت اهورایی وطنش تا به آنجا پست و ناچیز شده که فرزندانش حاضر نیستند بیش از چند صباحی در کنارش دوام بیاورند. بوی باروت آخرین رایحه ای است که کم کم در خاک صلح طلب زرتشت می پیچد تا آخرین بازمانده ها را هم فراری دهد. می ترسم فرزندان زرتشت این یکی را تاب نیاورند...

اما این ها را چه کسی پاسخ می دهد؟ از شروع داستان پر فراز و نشیب ایران، سالها که نه قرنهای گذشته اما از شروع داستان سیوند دو سال و اندی، اما هنوز تمام نشده و نمی دانم آخر داستان چگونه تمام خواهد شد، یعنی این بار کاوه ها و فریدون ها ضحاک را برای ابد به بند می کشند؟

بانگیزه ی زاد روز اشوزرتشت

از: دکتر ناصر انقطاع



آشو زرتشت اسپهتمان
پیام آور مهر و راستی

«زرتشت» نامی است که برای همگان، بویژه ما ایرانی ها شناخته شده، و انگیزه سرافرازی هر ایرانی است که به میهن و به تاریخ و فرهنگ خود دل بسته است.

گروهی زرتشت را پیامبری می دانند، و دسته ای تنها یک رهبر نیک اندیش بزرگ. و وی خود نیز در هیچ جا بروشنی نگفته است که از سوی خداوند یا اهورامزدا فرستاده شده است.

جستار ما، در این زمینه نیست که آیا زرتشت چه کسی بوده؟ چه کرده؟ آیا پیامبر بوده یا نه؟ و چگونه آیینش گستره شد و تا به امروز رسید؟ سخن ما، در این است که «زرتشت» یا «زردشت» از دیدگاه ریشه یابی واژه ها چه معنا دارد و چرا به این مرد بهشتی «زرتشت» گفته اند.

پیش از هر چیز شایسته ی گفتن است که نام وی را چندین گونه گفته و نوشته اند. از آن میان: «زردشت، زرتشت، زرادشت، زراتشت، زره تشت، زره دشت، زردشت، زارهدشت، زارتشت، زار دشت و ...»

در واژه نامه های «برهان قاطع» و «ناظم الاطباء» و یکی دو واژه نامه ی دیگر، واژه ی «زرتشت» را «آفریده ی نخست، راستگوی، پرتو یزدان» و مانند اینها معنا کرده اند، که روانشاد علی اکبر دهخدا و یکی دو تن واژه شناس دیگر، یکسره این معناها را نابجا و ساختگی و بی پایه دانسته اند. روانشاد دهخدا با نگرش به واژه نامه های «اندراج و جهانگیری» و پژوهش های خود بر آن است که ریشه ی راستین واژه ی زرتشت (یا زردشت و یا زراتشت) واژه ی «زرسوشتر» ZARA-SOSHTARA است که در پارسی کهن، به معنای کسی است که «زر در نزد او، زشت و ناپسند» است.

گروهی دیگر بر آنند که واژه ی «زرتشت» بزبان سُرینانی نام «ابراهیم» بوده است و وی (یعنی زرتشت) خود از تیره ی ابراهیم پیامبری است. و نامش «ابراهام» یا «پراهام» و یا «آبرهام» بوده، بمعنای «برتر از همه» (طبیعت).

فردوسی بزرگ نیز بر این باور است که «زرتشت» از نوادگان «ابراهیم» بوده و در این زمینه می سراید:

**نهم، پور زردشت پیشین بُد او
براهیم، پیغمبر راستگو.**

دسته ای دیگر از پژوهشگران بر آنند که چون این مرد، همیشه بر «اشتری زردرنگ» سوار می شد، به او «زرد اشتر» می گفتند، و رفته و رفته، واژه ی «زرد اشتر» به «زرد اشت» و «زردشت» دگرگون شد. و چون در زبان پهلوی ساسانی به رنگی که ما امروز «زرد» می گوئیم «زرت» می گفتند، واژه «زرت اشتر» نیز «زرتشت» گفته شد. شماری از تاریخ دانان او را از «آذرآبادگان» می دانند، و گروهی دیگر از خاور ایران.

کسانی که وی را زاده ی آذرآبادگان می

دانند (و شمارشان نیز فراوان است) می گویند: وی در شهر اردبیل، در نزدیکی دامنه ی کوه سیلان، آیین خود را به مردم شناسانید، ولی زادگاه راستینش، در جایگاهی میان مراغه و زنجان (زنجان) بود و پس از آغاز روایی آیین خود به سوی تختگاه «گشتاسب شاه» روان شد و به خراسان و بلخ رفت و آتشکده ی نوبهار را ساخت و در آنجا ماندگار شد. و گشتاسب شاه پس از آگاهی از آیین وی به او گروید. و بانگیزه ی همین گروهش، کیش زرتشت گسترده شد. بدانگونه که تا ایتالیا رفت و آتشکده های این کیش در آن سرزمین پیدا شده است. (برخی بر این باورند که آنچه را که در ایتالیا یافته اند آتشکده ی زرتشتی نیست بلکه مهربه های کیش مهری است و این باور درست تر باید باشد). درازای زندگی زرتشت را هفتاد و هفت سال نوشته اند.

از این جستار که بگذریم، از دیدگاه تاریخی، آنچه که روشن است وی فرزند پوروشسب فرزند پیتراسب از خاندان «سپیتمه» است که می گویند دوازده پشت او، به منوچهر فرزند ایرج، فرزند فریدون می رسد. مادر او «دغدویه» بود که او را نیز از نوادگان فریدون می دانند.

باور گذشتگان در باره ی این بزرگمرد نیز گوناگون است.

برخی از پیشوایان تازی در اسلام وی را جادوگر و دروغگو! نوشته و گفته اند که نمایانگر خشم و رشک آنان از رفتار آدمیگرانه و آشتی جویانه ی وی است.

ولی دسته ی بیشتری از پژوهندگان و دانشوران کهن مانند: علامه دوانی، میرصدرالدین و غیاث الدین منصور او را «نبی فاضل و حکیم کامل» می دانند.

بهر روی چون بررسی ما در این نوشتار ریشه یابی واژه ها و رفتن به ژرفای معنا و ریشه ی آنها است، از بررسی بیشتر در باره ی این ایرانی نامور در می گذریم و تنها می گوئیم، به باور گروه چشمگیری از پژوهشگران و دانشوران اروپایی و امریکایی نام «زرتشت» در میان یکه تنی است که با گفته ها و آیین های خود، جهان را دگرگون کرده است.



سال نو و نوروز فرخنده باد

شادی خادمی

دانش آموخته موزیک

آموزش سه تار و دیدمانهای (تئوری) موزیک

تلفن ۳۱۰ - ۴۸۹ - ۲۵۲۱

Khademi_sh@yahoo.com

کوروش کیخسرو شاهرخ



- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

دعای امور بازرگانی و تجاری

تشکیل، ثبت، خرید و ادغام شرکتها

ثبت حق تالیف، اختراعات، علایم بازرگانی

دعای ملکی، جلوگیری از حراج ملک

معالجات غلط پزشکی

تصادفات، صدمات بدنی و منجر بمرگ

تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت

دعای مربوط به آزار سالمندان

The Law Offices of
Koorosh K. Shahrokh, Esq.

Tel: (818) 476-0120

Fax: (818) 476-0121

100 N. Brand Blvd. #506, Glendale, CA 91203

چیزی را که من اندر نیابم چرا باید گفت؟

کیومرث سامبا کلانتری

برگرفته از امرداد



یعقوب لیث، رویگر زاده ای بود که در سیستان به دنیا آمد و با سه برادرش پیشه ی پدر را ادامه دادند.

چون یعقوب لیث، سرزمین مادری اش ایران را، بسیار دوست می داشت، دست از مسگری کشید و به «عیاران» پیوست.

«عیاران» ورزشکاران و زورخانه بروهایی بودند که کاروان ها را همراهی می کردند تا راهزنان آنها را چپاول نکنند و هنگامی که به پایان راه می رسیدند مزدشان را می گرفتند و می رفتند.

یعقوب از اینکه باید ایرانیان به زبان تازی گویش کنند و به خلیفه باج بدهند، رنج می برد و نمی توانست باور کند که دسترنج او و دیگران را به کشور دیگری بفرستند.

یعقوب در برابر خلیفه عباسی پیاخاست و شهرهای زیادی را گرفت و تا خراسان پیش رفت. پس از گرفتن چند شهر دیگر، زمانی که به اهواز رسید خلیفه «معتد» و مردم بغداد از لشکر کشی یعقوب به آن سامان ترسیدند. یعقوب در این اندیشه بود که دستگاه خلافت عباسی را برچیند و چون می دانست استقلال سیاسی، بدون استقلال فرهنگی شدنی نیست به سربازان و گرداگردش دستور داده بود تا به زبان پارسی سخن بگویند.

هنگامی که یعقوب در جندی شاپور سپاه خود را آماده می کرد تا به سوی عراق روانه شود، دچار درد قولنج شد. خلیفه فرستاده ای نزد وی فرستاد تا او را امید دهد که به خراسان و فارس باز گردد.

هنگامی که یعقوب این را شنید چون در بستر بیماری بود، دستور داد کمی نان خشک و تره و پیاز در سینی ای چوبی بگذارند و پیش آورند. رو به فرستاده ی خلیفه کرد و گفت: «به خلیفه بگو تا تو و خاندانت را برنیاندازم از پای نخواهم نشست.

من رویگر زاده ام. خوراک من نان و پیازه و تره است و شهرهایی که گرفتم به نیروی بازو و شمشیرم بوده و از کسی به من ارث نرسیده. اگر من از این درد مردم خیال شما از سوی من آسوده خواهد شد ولی اگر زنده ماندم با شما می جنگم. اگر شکست خوردم به سیستان باز می گردم و به این نان خشک و پیاز بسنده می کنم.»

مرگ درنگ نداد که یعقوب لیث زنده بماند تا گفته هایش را به کردار برساند. در تاریخ بیستم شوال ۲۶۵ هجری در جندی شاپور درگذشت و در همان جا بخاک سپرده شد.

یعقوب سراینندگان را به سرودن چکامه های فارسی تشویق می کرد. گویند روزی سراینده ای چکامه ای که به زبان تازی در ستایش او سروده بود خواند. یعقوب لیث گفت: چیزی را که من اندر نیابم چرا باید گفت؟

هشدار در باره ی نگهداری مدرک ها و سندها و جلوگیری از گم شدن

گردآورنده منیژه اردشیری

با اینکه نکته های زیر را همواره شنیده ایم، ولی هنوز هم امار گم شدن مدرک ها و سندهای مردم افزایش نشان می دهد. زیرا برخی از کسان آنها را انجام می دهند و دیگران نمی دهند. سفارش های زیر را بخوانید و آنها را انجام بدهید تا آسوده تر باشید:

۱- از مدارک های توی کیف دستی تان یک کپی پشت و رو در جایی امن داشته باشید.

۲- هنگام سفر به کشور های دیگر یک کپی از گذرنامه ی خود را در خانه نگه دارید و یک کپی هم همراه خود ببرید ولی در پهلو ی گذرنامه نگاه ندارید.

۲- هرگز کارت سوشال سکيوریتی (Social Security) خود را در کیف دستی نگذارید.

۴- هرگز شماره های سوشال سکيوریتی و گواهی نامه ی رانندگی را روی چکها ننویسید. نخستین حرف نامتان را روی چکها بنویسید تا اگر کسی آنها را دزدید نداند که چک ها را چگونه امضا می کنید. بهر روی بانک امضا ساختگی را خواهد شناخت.

۵- اگر شماره ی تلفن خود را روی چکها می نویسید بهتر است شماره ی تلفن کارتان باشد نه شماره ی خانه.

۶- کاغذ هایی که شماره سوشال سکيوریتی و

حساب بانک و دیگر چیزها روی آن نوشته شده پیش از دور انداختن پاره و ریز ریز کنید. برای این کار می توانید دستگاه کاغذ خرد کن که نزدیک ۳۰ دلار است بخرید.

۷- اگر کیف دستی تان گم شد کمپانی کارت اعتباری و بانک و سوشال سکيوریتی و دیگران را بی درنگ آگاه کنید و گزارش پلیس تهیه کنید و به یکی از شماره های

۱-۸۸۸-۳۹۷-۳۷۴۲ یا ۱-۶۸۰-۸۰۰-۷۲۸۹ زنگ بزنید تا در باره ی گم شدن مدرک های شما هشدار کلاهبرداری بدهند.

برای آگاهی بیشتر جایگاه اینترنتی زیر را ببینید www.Consumer.gov

از من گفتن و از شما نشیدن

Full Service Lender

دریافت بهترین نرخ وام، متناسب با شرایط شما

با کردیت عالی، کردیت متوسط و یا سابقه ورشکستگی و فورکلور - در سراسر کالیفرنیا و نوادا

FREE PRE-APPROVAL WITHIN 4 HOURS

E.Z. Qualifier
Upto 100% of the Value
NO Tax Returns
NO W2, Pay Stubs

Reverse Mortgage:
دریافت پول از بانک به طریق یکجا یا ماهیانه

وام های بدون اوراق مالیاتی، شغل ثابت و یا داشتن کارت سبز

وام های ثابت و متغیر
۱۰، ۱۵، ۳۰، ۴۰، ۵۰ ساله
Fixed & Adjustable Rates - Interest Only

وام املک تجاری، آپارتمان بیلدینگ، شاپینگ ستر و آفیس بیلدینگ

وام SBA تا ۹۰٪ ارزش ملک
Car Wash / Gas Station

وام ساختمانی: مسکونی - تجاری

قابل توجه اجاره نشینان:

چرا پول اجاره می پردازید؟
وام بدون پیش قسط تا ۱۰۰٪
ارزش ملک با کمترین بهره

100% Financing (No Money Down)

تجربه دلپذیر و بدون دردسر، با سرویس سریع و حرفه ای

دانی امینی

بایش از ۱۵ سابقه در مدیریت امور ملکی و وام مشاوره رایگان برای انتخاب بهترین وام متناسب با شرایط شما

Donny Amini

Licensed Broker
V.P., Loan Production Manager

818.986.3900 Ext.203

Voice Mail: 818.375.7900
DonnyAmini@FirstBanker.com

FirstBanker Mortgage Corp. R.E. Broker - CA Dept. of Real Estate - DRE Lic. #00935717

The 99 Family
تئاتر خانواده ۹۹ سنتی

REVIEWS ARE IN:

"This will be the mother of all comedies"
-Saddam Hussein

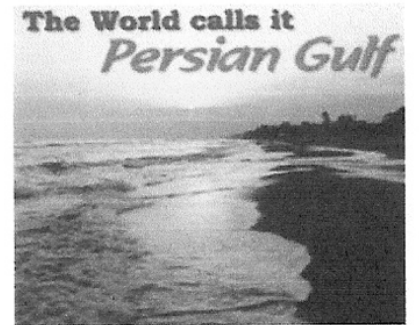
"This play is an artistic work of artisticma"
-George Bush

"This is a great play unless I say otherwise"
-John Kerry

"The best play I have never seen"
-Stevie Wonder

"The director is a genius"
-The director's mom

شنبه ۷ آپریل ۲۰۰۷
در سالن مروارید مرکز زرتشتیان
قیمت بلیط: پیش فروش ۲۵ دلار - شب برنامه ۳۰ دلار
تلفن ۴۷۳۷ - ۸۹۳ - ۷۱۴

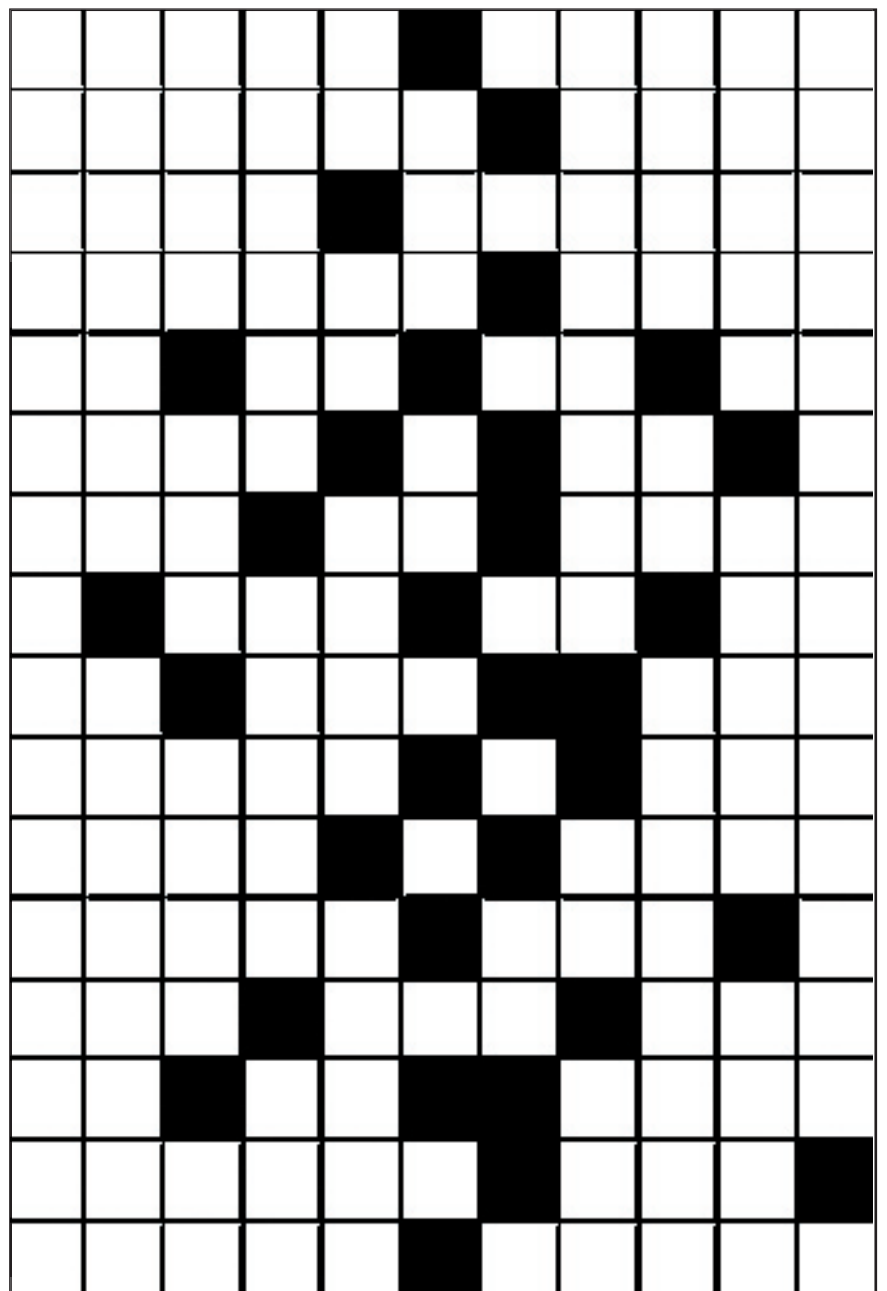


چو اریزیش به شیب
شیر

ویژه نوروز ۱۳۸۶

طرح از خداداد خدابخشی

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱



عمودی:

- ۱ - مربوط به ششم فروردین است.
- ۲ - به انگلیس آبی رنگ می باشد-مرکز خوزستان- آراسته.
- ۳ - پروسه - یک دست تنیس-یکی از استانهای غرب ایران.
- ۴ - یکی از کشورهای اروپا-دریا- آنطرف یا پشت سر.
- ۵ - صورت و سیما.
- ۶ - همراه پاپ از تنقلات است- اولین شماره.
- ۷ - خم- درویشان میگویند یا...-غذای تخم مرغی- مجاهد.
- ۸ - اهل پایتخت ارمنستان- از پیامبران- عرب چای را گوید.
- ۹ - جمع ماده- از عناصر چهارگانه- چپاول- بغل.
- ۱۰ - همان یوگتوس است- تازه استقلال یافته در اندونزی.
- ۱۱ - تهنیت به همه ایرانیان به مناسبت این جشن فرخنده.

افقی:

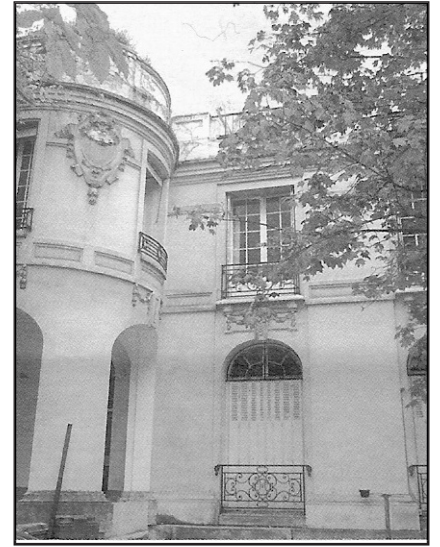
- ۱ - شادباش گفتن- نوعی چرم.
- ۲ - نوعی اتومبیل اروپایی - جای ششوی اتومبیل.
- ۳ - «واو» را جلو بیاورید بی برنامهگی می شود- اطاق قطار.
- ۴ - از آنطرف راست و درست معنی می دهد- بدون «ن» آخر گذاشتن میباشد.
- ۵ - حرف «ز» را «ر» بخوانید تا اندکی باران بیارد- به زبان انگلیسی شانس و اقبال است- درختی است داخل.
- ۶ - پسوند مانند - مددکار.
- ۷ - خالی کوبی- ویتامین انعقاد خون- ساعت.
- ۸ - مخفف شاه- حرف دهن کجی- یکی از حیوانات.
- ۹ - اسم بیسکوییتی است که ترد هم معنی می دهد- راهنما- اگر برعکش کنید میشود انگلیسی ملاقات کرد.
- ۱۰ - خزنده خوش خط و خال- کسی را تشویق کردن.
- ۱۱ - از مجلس بزم خوشش می آید- به آخر آن کلمه «یا» اضافه کنید تا یک مارک خوب پیانو بدست آید.
- ۱۲ - حکم- شادمان.
- ۱۳ - از توابع قزوین- نیک-مسلماناً فارس نیست.
- ۱۴ - صندوقچه زیر میز- غذایی ساده- روز نیست.
- ۱۵ - میوه هزار دانه- «الف» به «ی» تبدیل کنید حمل و نقل است.
- ۱۶ - متهم کردن کسی- گویا قدش کوتاه است.

انجمن جهانی زرتشتیان



گزارشی از دکتر پرویز کوپایی

دومین نشست انجمن جهانی زرتشتیان از روز ۲۵ ژانویه ۲۰۰۷ ترسای تا ۳۰ ژانویه در پاریس برگزار شد. در این نشست کوشندگان سرشناس زرتشتی از کشورهای گوناگون اروپا- آمریکا و کانادا که برای این آرمان به پاریس آمده بودند دیدار داشتند. هموندانی که در نخستین نشست در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۶ شرکت کرده بودند گزارش کوششهای خود را دادند و پیشنهادهای نمودند. با خرسندی به آگاهی میرسانیم که این انجمن جهانی در شهر پاریس کشور فرانسه خواهد بود و ساختمان آن در دست بازسازی است و به همت خانواده ی گرامی ساسانفر به بنیاد انجمن داده خواهد شد. ارزش این ساختمان شش میلیون یورو برآورد شده و با همکاری و همیاری دهشمندان انجمن دارای کادر اداری و ابزار پیوند همگانی در پاریس خواهد بود. باشندگان در همایش دوم بخشهای گوناگون انجمن را برگزیدند و گردانندگان آن با رازینی دوستان گزینش نمودند. گروه مدیران که دارای ۵ هموند آقای منوچهر فرهنگی، آقای دکتر آبتین ساسانفر، خانم شیدا انوشیروانی، آقای دکتر علی اکبر جعفری و آقای دکتر خسرو خزایی بوده و گروه گردانندگان دارای ۵ هموند، آقای موبد کامران جمشیدی، آقای دکتر پرویز کوپایی، آقای فرامرز دادرسی، خانم فتنه فرید و آقای دکتر هومر ابرامیان می باشند. گروه های دیگری که بزودی برگزیده خواهند شد و در آینده به آگاهی همگان خواهد رسید.



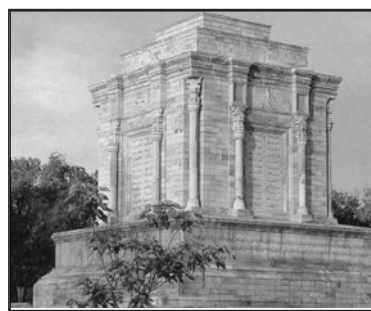
آرمانهای انجمن جهانی زرتشتیان:

- هم آهنگی کوششهای گوناگون دوستداران اندیشه های زرتشت در جهان.
- هم آهنگ کردن پژوهش در زمینه ی زرتشت شناسی و بازتاب اندیشه های زرتشت در فرهنگ ایران و جهان.
- گسترش آگاهی مردم جهان از آموزشها و جهان بینی زرتشت و فرهنگ ایران بر پایه خرد گرایی. انجمن جهانی زرتشتیان از انجمن های زرتشتی و دوستداران اندیشه های اشو زرتشت و فرهنگ ایران و هواداران هويت ایرانی که مایل به هموندی باشند دعوت می کند که با پذیرش آرمانهای انجمن به دیگر یاران پیوندند.

WWW.W-Z-C.ORG

دکل های برق در چشم انداز آرامگاه فردوسی

از تارنمای بازمانده های فرهنگی



وزارت نیرو و سازمان توسعه برق ایران نصب دکل های بزرگ فشار قوی برق که از کنار شمالی آرامگاه فردوسی بزرگ میگذرد و تا سرخس ادامه می یابد را انجام داد که موجب صدمه بزرگ به این بنای تاریخی و ثبت نشدن این محوطه و بنا در رده بازمانده های فرهنگی دنیا (یونسکو) میباشد.

اداره برق استان خراسان هنوز به درخواست هیچ سازمانی برای جابجایی این دکل های برق پاسخی نداد و موجب نگرانی و اندوه شده است.

برابر با گزارشات رسیده هر ساله یک اثر تاریخی برای ثبت جهانی به یونسکو معرفی میشود که با بودن این دکل های برق این کار ممکن نیست. یونسکو تا ۳ سال به ایران برای جابجایی این دکل ها زمان داده است.

جایزه فرهنگی «لطیفه یار شاطر» به سیمین بهبهانی داده شد



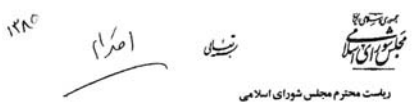
از تارنمای بازمانده های فرهنگی

جایزه ادبی که به نام همسر درگذشته استاد احسان یار شاطر نامگذاری شده است، امسال به شاعر برجسته سیمین بهبهانی تقدیم شد.

خانم بهبهانی در مصاحبه با رادیو فردا می گوید خانم یارشاطر در تاسیس دانشنامه ایرانیکا با همسر خود همراه بود و این دانشنامه ۲۰ جلدی که تاکنون ۱۴ جلد از آن منتشر شده است، فرهنگ ایران را به انگلیسی زبانان معرفی می کند. جایزه لطیفه یارشاطر را بنیاد ایرانیکا به همراه انجمن مطالعات ایرانی هر سال به یکی از کوشندگان راه فرهنگ ایران می دهد. خانم بهبهانی یادآور شد که خانواده یارشاطر کتابخانه با مجموعه نفیس کتاب خطی قدیمی، مجموعه عتیقه ها و جواهرات خود را برای تامین مخارج دانشنامه حراج کرد.

بازمانده های فرهنگی

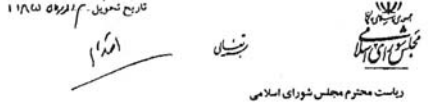
از کورش نیکام نماینده زرتشتیان ایران



خواهشمند است برابر ماده ۱۹۲ این نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تذکر زیر را ابلاغ و خلاصه آنرا در مجلس فرات فرمایند.

مخاطب: رئیس محترم - وزیر محترم راه و ترابری
 خلاصه:
 دستور برگی و جابجایی میرعماد قطار در نزدیکی امام باستانی نقش سیمین در نزدیکی شهرک صنعتی، بسیاری از کارشناسان این منطقه برای عبور قطار در نزدیکی نقش سیمین مخالفت کرده اند. از راه و ترابری استان فارس، آخرین آلات راه سازی را برای ایجاد این مسیر، کار گرفته و این اقدام در آینده موجب تخریب میراث فرهنگی چند هزار ساله این منطقه از جمله گنبد زرتشت و نقش سیمین خواهد شد. شایسته است میرعماد قطار از مسافت ۵۰۰ متری نقش سیمین به حرم راه اصلی شیراز و یا مسافت بیشتر و مناسب تر انتقال داده شود.

نام نماینده: سیمین بهبهانی
 حوزه انتخابیه: زرتشتیان ایران
 امضاء: سیمین بهبهانی



خواهشمند است برابر ماده ۱۹۲ این نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تذکر زیر را ابلاغ و خلاصه آنرا در مجلس فرات فرمایند.

مخاطب: رئیس محترم - وزیر محترم نیرو
 خلاصه:
 دستور برگی و جابجایی دکل های برق فشارقوی از چشم انداز آرامگاه فردوسی در نزدیکی شهرک صنعتی، فردوسی بزرگوار با بی اندکین کاخ بلند نظم خود در شاهسار، آنگاه که فصل بهاری مردم در تاریخ سیزدهمین ایران بردن تا زودی زبان درخشندگی بزرگی با سادگی کند و بهشت است از انظار آرزوی خوش بمانند. شایسته نیست تا در کنار آرامگاه شاعر بزرگوار دکل های بلند ناممکن برقی نصب شود زیرا آرامگاه قدیمی و شهرت ناممکن آنگاه که از جابجایی گزینش و مکانی مقدس برای برای درستان از ایران و جهان می باشد. دستور جابجایی دکل های برق و جابجایی چشم انداز آرامگاه فردوسی فرات از دکل های برق فشارقوی در چشم انداز آرامگاه فردوسی است.

نام نماینده: سیمین بهبهانی
 حوزه انتخابیه: زرتشتیان ایران
 امضاء: سیمین بهبهانی

کندن سر سرباز هخامنشی در تخت جمشید

از تارنمای بازمانده های فرهنگی

یکی از افراد گروه فیلمبرداری که به تازگی در تخت جمشید مشغول ساخت یک فیلم بلند بودند، با ابزار فلزی سر دو سرباز هخامنشی و نقش هدیه آوردندگان بلوک های کاخ H بنام کاخ اردشیر را جدا کرده است.



«نوروزی» مدیر بخش نگهداری از تخت جمشید در این باره گفت: «از ابتدای فعالیت گروه فیلمبرداری به چند تن از عوامل فیلم مشکوک بودیم که به همین دلیل نیز دو نفر مسئول مراقبت از آن ها شدند. اما در نهایت یکی از آن ها به شکل مخفی با ابزار فلزی به دو نقش برجسته تخت جمشید آسیب رساندند.»

به گفته کارشناسان تخت جمشید میزان تخریب نقش برجسته ها بسیار زیاد است و در این اقدام سر یکی از سربازها جدا و اطراف سر نقش برجسته دیگر کامل خالی شده است.

این دومین باری است که یک گروه فیلمبرداری در تخت جمشید حادثه می آفریند. اواسط امسال نیز یک اکیپ فیلمبرداری باعث ایجاد حریق در کاخ خشایار شاه شد.

بلوک های دارای نقش سربازان هخامنشی و هدیه آوردندگان، متعلق کاخی بنام اردشیر هستند. محل این بلوک ها روی پلکان این کاخ بوده اما از آنجایی که این موضوع به درستی مشخص نشده، در همان کنار کاخ نگهداری می شدند.

گرد همایی در تهران به اعتراض آبگیری سد سیوند

برگرفته از سایتهای گوناگون

گردهمایی دوستداران بازمانده های فرهنگی و معترضان به آبگیری سد سیوند با شرکت گروهی از این دوستداران و شرکت نماینده ی چندین سازمان در تهران روبروی وزارت نیرو برگزار شد.

معترضان به آبگیری سد سیوند که در اثر آن ده ها منطقه باستان شناسی و فرهنگی ایران باستان به زیر آب رفته و خطر نابودی آرامگاه کورش بزرگ را دارد را از وزارت نیرو خواستند تا برای نگهداری و پاسداری از این آثار تاریخی و فرهنگی آن خودداری کند.

«منطقه ی باستانی سیوند را نجات دهید»، «تولید انرژی به چه قیمتی، دریغا که ایران ویران شود»، «چو ایران نباشد تن من مباد»، «چه بر سر میراث فرهنگی و محیط زیست کشور می آید» از جمله شعارهایی بود که روی پلاکاردهای معترضان نوشته شده بود.



گزارشی از

دو سخنرانی در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

رستم شیرمردیان



عکس از اردشیر باغخانیان

که بر خلاف دین های سامی که خداوند در ۶ روز جهان را می آفریند و روز هفتم به استراحت می پردازد، جهان اهورامزدا جهانی است دینامیک و همیشه در حال تکامل و پیشرفت و انسانها در این راه، در راه رسیدن به خوشبختی خود و جهان هستی همراه و همکار اهورامزدا هستند. در بخش پرسش و پاسخ چندین نفر از باشندگان به بیان دیدگاههای خود از سخنان دکتر خزائی و نیز تقدیر از فعالیت ها و اقدامات او در گسترش آیین زرتشت می پردازند.

او در پاسخ به پرسش یکی از باشندگان در مورد دوگانگی در دین زرتشت، صریحاً می گوید که در گاتا صحبت یک خدا است به نام اهورامزدا او هیچ صحبتی از اهریمن و یا هیچ خدای دیگری نیست ولی برخی نوشته ها اوستایی که صدها سال قبل از او و یا بعد از زرتشت نوشته شده اند، هیچگاه نباید به عنوان پیام زرتشت تلقی شوند. دو گانه پرستی، آتش پرستی، ازدواج با محارم،... همه دورانهای تاریخی بزرگ هستند که مدام بر روی آنها تبلیغ می شوند.

دکتر خزائی که بنیانگذار کانون اروپایی برای گسترش جهان بینی زرتشت است، به برخی از فعالیت های کانون اشاره می کند و می گوید که این بزرگترین کانون اروپایی است که هم اکنون در شهر بروکسل فعال است، گرچه در آینده کانون دیگری در پاریس نیز راه اندازی خواهد شد. او و همکارانش در این کانون با جوانان علاقه مند به دین زرتشت در ارتباط هستند و به سوالات و مسایل آنها پاسخ می دهند. خزائی می گوید که ماهیانه بیش از ۵۰۰ نامه در قالب ایمیل، فکس،... از ایران به کانون می رسد که اکثر آنها از سوی جوانان بین ۲۰ تا ۳۵ سال است که به دین زرتشت گرایش و علاقه دارند و اکثر این نامه ها در این جمله خلاصه می شود که: «ما می خواهیم به دین نیاکان خود برگردیم».

این نشان از گرایش غیر قابل تصویری است که در چند سال اخیر به آیین زرتشت بوجود آمده است و نیاز به هدایت دارد. بسیاری از این جوانان مدت ها به دنبال فراگیری دین زرتشت رفته اند و اکنون به نقطه ای رسیده اند که تصمیم خود را گرفته اند و می خواهند زرتشتی شوند ولی هیچ گروه و سازمانی در ایران نمی تواند این کار را انجام دهد. دکتر خزائی اشاره می کند که برای بسیاری از این افراد سدره پوشی به عنوان تولدی دوباره در آیین جدیدشان است و به آنها حس پیوستن به دین زرتشتی را می دهد. این مساله آنقدر مهم است که بسیار از جوانانی که در اروپا هستند تا ۱۳۰۰ کیلومتر مسافت را طی می کنند تا به محل کانون برسند و سدره پوش شوند و دوباره به محل اقامتشان برگردند. اما این کار برای افرادی که در ایران هستند امکان پذیر نیست و از اینرو کانون اقدام به تهیه یک برنامه اینترنتی کرده است که آیین سدره پوشی را بسیار ساده نشان می دهد و به عنوان یک راه حل موقت برای سدره پوشی افرادی که علاقمند به انجام این آیین هستند، می توان از آن استفاده کرد.

پس از استراحتی کوتاه، حاضرین برای گوش دادن به سخنرانی بعدی به سالن باز می گردند و او کسی نیست جز کاپیتان جهانگیر بهبودی، کسی که آنچنان در کار خود پیشرفت کرده و سرآمد شده است که به حق یک افتخار آفرین زرتشتی است. کسی که

پسین یکشنبه هفتم ژانویه، مرکز زرتشتیان کالیفرنیا میزبان دوسخنان برجسته بود که هر کدام در زمینه تخصص و فعالیت خود آنچنان فعال و موفق بوده اند که به جرأت حرفی برای گفتن داشتند. سخنران اول پرفسور خسرو خزائی بود. او که استاد و محقق در زمینه تاریخ و باستان شناسی در دانشگاههای بروکسل و سیدنی است، برای چند هفته به آمریکا سفر کرده بود و به دعوت مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای سخنرانی به مرکز آمده بود. پس از خوش آمد و معرفی ابتدایی سخنرانان، موبد بهرام شهزادی در سخنان کوتاهی به فعالیت ها و اقدامات دکتر خزائی در راه گسترش و آموزش جهان بینی زرتشت پرداخت و از او قدردانی نمود. موبد شهرام شهزادی همچنین به انتشار برگردان گاتها به زبان انگلیسی توسط دکتر خزائی اشاره می کند که پس از چاپ کتاب گاتها به فارسی در ماه جولای گذشته، کار جدیدی به قلم دکتر خزائی است.

پس از پایان سخنان موبد شهزادی، دکتر خزائی سخنان خود را با تشکر بابت فراخوانی او به مرکز زرتشتیان آغاز می کند. او در بخش اول سخنان خود مفهوم خوشبختی را از دیدگاه زرتشت توضیح می دهد: «۱۷۰۰ سال پیش از مسیح زرتشت گفت که آرمان زندگی خوشبختی است و این اولین بار بود که در زمانی که جز ستم و درد و رنج در جهان چیزی نبود، یک نفر از خوشبختی انسان ها گفتگو می کرد و این چنین بود که زرتشت به دنبال یافتن راز یک زندگی و جهان خوشبخت رفت. قانون دوگانگی نیروها که زرتشت آن را یافت، به زرتشت آموخته بود که هر نیرو یا پدیده ای با نیرو و پدیده ضد خود در جهان شناخته می شود و معنی می یابد، راستی به وسیله ناراستی، خوبی به وسیله بدی،... پس رنج و درد و بیچارگی هم باید در برابر خود ضد خود را که خوشبختی است پیدا کند و این یک کشف بنیادین در تاریخ فلسفه بود که زرتشت برای اولین بار به آن دست یافت».

و به گفته دکتر خزائی کشفی بود که به کل تاریخ انسان ها جهت داد و یک مفهوم جدید برای زندگی پیدا کرد. سپس دکتر خزائی توضیح می دهد که زرتشت پس از این کشف به دنبال بنیان گذاشتن سیستمی رفت که از خوشبختی انسان ها نگهبانی کند و آن را جاودانه نماید. او با توضیح این که جاودانگی به مفهوم «فراوسوی زمان قرار گرفتن» است و نه به مفهوم «برای همیشه»، به دو جهان مادی و جهان معنوی یا اندیشه اشاره می کند: «زرتشت در می یابد که می توان خوشبختی را از جهان مادی به جهان اندیشه منتقل کرد و از این راه خوشبختی را جاودانه کرد چرا که آشتی و یگانگی بین این دو جهان، خوشبختی را به ما ارزانی می دارد. آشتی و یگانگی این دو جهان به بیان ساده یعنی آنچنان که زندگی می کنیم بیاندیشیم و آنچنان که می اندیشیم زندگی کنیم. خوشبختی در جهان مادی و معنوی میسر نیست مگر اینکه اندیشه و گفتار و کردار بر مبنای راستی انجام گیرد، پس راستی محور بنیادین آیین زرتشت است و قانون طبیعی جهان هستی را می سازد. قانونی که برای پی ریزی یک زندگی خوشبخت باید با آن هماهنگ و همنا باشد».

دکتر خزائی در بخش دیگری از سخنان خود به مقایسه دیدگاه زرتشت از جهان آفرینش با دین های سامی می پردازد و آشکار می سازد

است می گوید و اینکه دوستانش در اثر برخورد به کابلهای برق از بین رفته اند و یا به دلیل پاشیدن شدن سم به داخل کابین خلبان کور شده اند. به هر حال او پس از این دوران به عنوان کمک خلبان در Iran Air استخدام می شود و پس از مدتی خلبان و کاپیتان می شود و به تدریج دوره خلبانی هواپیماهای ۴ موتوره و سپس بوئینگ ۷۲۷ را می گذراند و بالاخره پس از گذراندن دوره بوئینگ ۷۴۷ و نیز ۷۴۷ سرخلبان ۷۴۷ می شود.

او اکنون به مرحله ای رسیده است که شاید کمتر کسی بتواند به آن برسد. اولین پرواز مستقیم از نیویورک به تهران در حال راه اندازی است و او برای انجام آن انتخاب می شود. او از این پرواز سخن می گوید و اینکه ۱۳ ساعت پرواز مداوم بوده است. کاپیتان بهبودی همچنین اولین پرواز توکیو به تهران را نیز انجام داده است. خاطرات او از پرواز افراد سرشناسی چون دکتر فرهنگ مهر، ارباب فریدون زرتشتی و حتی همه شاهدگان پهلوی، فرح دیبا، اشرف پهلوی،... جالب و شنیدنی بود.

کاپیتان بهبودی همچنین به دو سال خدمت خود پس از انقلاب و در دوران جنگ ایران و عراق اشاره می کند و اینکه او به عنوان خلبان ۷۴۷ اسلحه و مهمات جنگی از کشورهای دیگر برای ایران حمل می کرده است.

در پایان برنامه اردشیر باغخانیان به نمایندگی از سوی انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا یاد بودی را جهت قدردانی پیشکش کاپیتان جهانگیر بهبودی و نیز پرفسور خسرو خزائی می کند.

روزگاری نخستین ایرانی خلبان بوئینگ ۷۴۷ بوده است. اکنون پیرمردی ۸۲ ساله است که کوله باری از خاطره و تجربه را به همراه دارد. پدر و مادر جهانگیر بهبودی متولد یزد بودند، اما در هندوستان با هم آشنا شدند و او متولد هندوستان است. و از این رو او در یک محیط آزاد در بین زرتشتیان و پارسیان هند بزرگ شده است، در خانواده ای که مادر و پدرش هر دو به مسایل دینی اهمیت می دادند.

کاپیتان بهبودی از علاقه خود به خلبانی از همان کودکی سخن می گوید و اینکه پس از فوت پدرش، در نیروی هوایی هندوستان تقاضای کار کرده است و در سن ۱۷ سالگی به عنوان درجه دار فنی استخدام شده است. در ۱۹ سالگی پس از گذراندن ۶ روز آزمایش سنگین برای شروع دوره خلبانی برگزیده می شود. او از همزمانی این دوران با جنگ جهانی دوم سخن می گوید و از شور و اشتیاق او برای پایان دوره خلبانی و پرواز با هواپیماهای جنگی!!

پس از پایان جنگ جهانی دوم، برای کار و خدمت به وطن خود بازمی گردد و پس از استخدام در شرکت نفت به آبادان می رود. اما به مرور زمان از انگلیسیها که در آن دوران بر شرکت نفت تسلط داشتند متنفر می شود و به تهران بر می گردد و مدتی در برج مراقبت فرودگاه مهرآباد به کار می پردازد تا اینکه به عنوان خلبان سمپاشی در وزارت کشاورزی استخدام می شود. او از سختی این نوع خلبانی و خطراتی که به همراه داشته

در گذشت یک نیکوکار



آقای فریدون زابلستانی مرادی در روز ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ بعد از یک بیماری کوتاه در شهر La Jolla در سن دیه گو چشم از جهان فرو بست.

فریدون (Fred) در سوم جون ۱۹۲۵ در کرمان متولد شد و بعد از اخذ دکترای حقوق از دانشگاه تهران و عزیمت به آمریکا در لوس انجلس مقیم شد. او تحصیلات فوق لیسانس خود را در دانشگاه USC به پایان رسانید.

فریدون زابلستانی مرادی مرد بسیار سخاوتمند و نیکوکاری بود و همواره با شرکت های خیریه برای جمع آوری کمک های مالی همکاری می کرد. کسانی که فریدون را می شناختند بدون شک از او مردی با اخلاق و بسیار مهربان و سخاوتمند یاد می کنند.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا کمک های این مرد نیک اندیش را ارج می نهد و درگذشت او را به همسرشان و خانواده های وابسته تسلیت می گوید.

روانش شاد باد و بهشت برین جایگاهش باد

ایدون باد

ارمغان دین زرتشت به تاریخ

به کوشش: مهزاد شهریاری

به تاریخ ایران زمین که نگاه می اندازم، همیشه هنگامی که نام یک دودمان می آید خون غرور در تنم تپیده می شود و رگهای تنم با هیجانی که نمی توان بیان کرد، فشرده گشته و خود را در این افتخار شریک می دانم، چون من ایرانیم چون من زرتشتی ام و می دانم اگر نام کورش، داریوش، خشایارشا و دودمان هخامنشی چنین همیشه درخشان، چون تنها ستاره در آسمان تاریخ پادشاهی نه تنها ایران بلکه تاریخ، می درخشد، تنها و تنها یک پاسخ دارد، چون آنها به راستی پیام اشوزرتشت را دریافتند، در تمام کشورگشایی ها به یاد داشتند که همه آزادند هر کیش و آیینی که دارند نگاه دارند، بی هیچ خرافات و با دانش و بینشی که تنها برآیند سه پیام اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است، به همین سادگی و به همین درخشانی، چنان که در هر دستورشان برای کشورگشایی، در هر اندرز به فرزند و کشور، در هر اعلامیه حقوق بشر و در هر درگذشت نامه فریاد می زند، من به راستی پیام زرتشت، این تنها مرد راستی و پاکی را دریافتم.

من هم فریاد می زنم، آری من ایرانیم، آری من زرتشتی ام ولی آیا به راستی پیام اشوزرتشت را دریافته ام؟

گویش های زرتشت، منش کورش و داریوش را ساخت از آن روی دنیا برای نخستین بار چم آزادی دین را چشید. (w. Hinz, Zarathustra, Stuttgart, 1961)

خود بخوانید و خود پیام اشوزرتشت را از زبان راستین باورمندانش بشنوید.

کورش بزرگ:

دستور دادم تنم را بی تابوت و مومیایی به خاک بسپارند تا پاره های بدنم خرده های خاک ایران را بسازد.

داریوش شاه:

ای مزدا اهورا این کشور را از خشکسالی، از دشمن و از دروگ دور بدار

خشایارشا شاه:

اهورا مزدا خدای بزرگی است که زمین را آفرید، که آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید

بزرگمهر:

سرنوشت با پروردگار است، خشنود به آنم، در سختی شکیبایم، شکوه نکنم، بدتر از این سختی باشد و سختی بگذرد، در پناه و یاری پروردگار

کمبوجیه:

هرگز آفریدگار هستی را از یاد مبر، زیرا که جهان آفرین همواره، نه تنها هنگام سرافرازی و نیک بختی، بلکه در هنگام نیاز و تنگی، شایسته ستایش است

کسی نیست بیا در خود نگریم

در سال نو با آمدن نوروز، با چیدن هفت سین و بوییدن بهار، با گردش ماهی در تنگ و سبزه در موج یادم باشد حرفی نزنم که دلی بلرزد
خطی نویسم که آزار دهد کسی را
یادم باشد که روز و روزگار خوش است
و تنها دل ما دل نیست

یادم باشد جواب کین را با کمتر از مهر
و جواب دو رنگی را با کمتر از صداقت ندهم
یادم باشد باید در برابر فریادها سکوت کنم
و برای سیاهی ها نور پیاشم
یادم باشد از چشمه، درس خروش بگیرم
و از آسمان، درس پاک زیستن

یادم باشد سنگ خیلی تنهاست یادم باشد
باید با سنگ هم لطیف رفتار کنم مبادا دل تنگش بشکند
یادم باشد برای درس گرفتن یا درس دادن به دنیا آمده ایم
نه برای تکرار اشتباهات گذشتگان

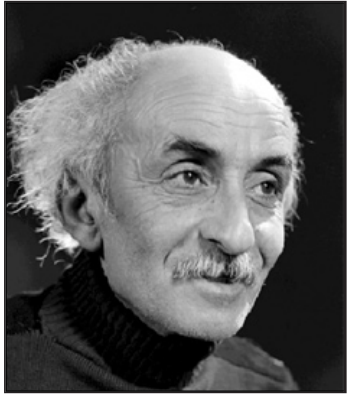
یادم باشد زندگی را دوست دارم
یادم باشد هر گاه ارزش زندگی یادم رفت
در چشمان حیوان بی زبانی که به سوی قربانگاه می رود
زل بزمن تا به مفهوم بودن پی ببرم

یادم باشد می توان با گوش سپردن به آواز شبانه ی دوره گردی
که از سازش عشق می بارد به اسرار عشق پی برد و زنده شد
یادم باشد معجزه ی قاصدک ها را باور داشته باشم

یادم باشد گره تنهایی و دلتنگی هر کس
فقط به دست دل خودش باز می شود
یادم باشد هیچگاه لرزیدن دلم را پنهان نکنم تا تنها نمانم
یادم باشد هیچگاه از راستی ترسم و ترسانم
یادم باشد زنده ام.....

" نیما یوشیج "

به کوشش: مهزاد شهریاری



نیما یوشیج (علی اسفندیاری) پدر شعر نو، زادروز وی ۱۳۱۵ خورشیدی برابر با ۱۸۹۶ میلادی در روستای یوش مازندران می باشد. نیما در سال ۱۳۳۸ برابر با ۱۹۵۹ در شمیران درگذشت. آرامگاه وی در زادگاهش می باشد.

نیما، بزرگی ش در این است که از همه ی پیشینه ی شعر پارسی سهم برداشته است. نیمای آشنا به شعر روز جهان،

به شعر خود و شعر پارسی پشت نکرد تا نو بیاورد. او جهان و شعر جهان را به شعر خود راه داد تا دمی تازه در آن بدمد. او با نگاه تازه به جهان تازه، کوشید تا بشناسد. از راه شعر خود خواست تا جای گاهی ببخشد به شعر پارسی. او با شعر پارسی و در شعر پارسی زیست " ترا من چشم در راهم شباهنگام "

نیما را باید خواند. خیلی خواند. شعر نیما را، یادداشت هاش، نامه هاش و نامه های عاشقانه به عالییه را. خسته که شدیم از بی بند و باری ها در شعر امروز، می توانیم و باید به سراغ شعر برویم. شعر پارسی. و نیما ستاره ای است درخشان، در شعر پارسی.

می تراود مهتاب

می درخشد شبتاب

نیست یک دم شکند خواب به چشم کس و لیک

غم این خفته چند

خواب در چشم ترم می شکند...

نازک آرای تن ساقه گلی

که به جانش کشتم

و به جان دادمش آب

ای دریغا به برم می شکند...

دست ها می سایم

تا دری بگشایم

بر عبث می پایم

که به در کس آید

در و دیوار به هم ریخته شان

بر سرم می شکند.

نگران با من استاده سحر

صبح می خواهد از من

کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را بلکه خبر

در جگر لیکن خاری

از ره این سفرم می شکند.

مانده پای آبله از راه دراز

بر دم دهکده مردی تنها

کوله بارش بر دوش

دست او بر در، می گوید با خود:

غم این خفته چند

خواب در چشم ترم می شکند.

نوروز فرخنده باد

سر سال نو هر مز و فرودین	بر آسوده از رنج تن دل ز کین
به جمشید بر گوهر افشاندند	مر آن روز را روز نو خواندند
بزرگان به شادی بیاراستند	می و رود و رامشگران خواستند
چنین جشن فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار

سال خجسته باد

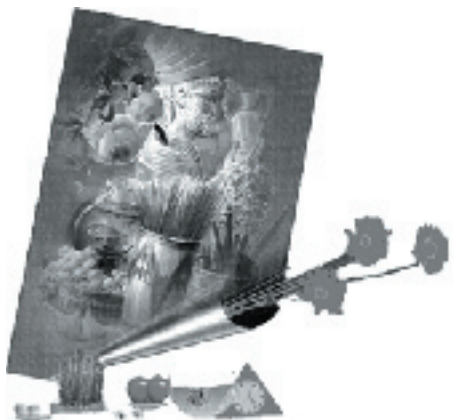
ماه فرخنده باد

روز پیروز باد

بهین جشن نوروز، مهین یادگار نیاکان ایرانیان

فرخنده باد

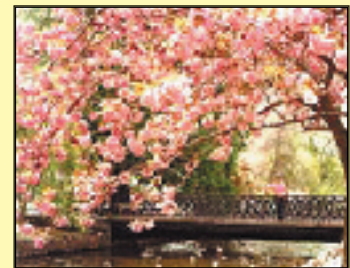
سپید کوه زرتشت





نوروز

در گوشه و کنار جهان



تاجیکستان



نوروزي خواني در ازبکستان

ازبکستان



تاجیکستان



نیویورک



GOOD THOUGHTS



The **ZOROASTRIAN** Journal

Volume II, Issue 5

California Zoroastrian Center

Spring 2007/3745 Zoroastrian Calendar

Cover Story:

Nowruz

Other Topics:

- **The World Zoroastrian Council**
- **Being Born a Zoroastrian**
- **A prayer for the New Year**
- **The Concept of Asha in Zoroastrianism**
- **The Power of Change**
- **Women in The Gathas and Later Avesta**
- **A Musical Zoroastrian**



Exhibition of Zoroastrian's Religion and Culture

Tehran, Mellat Culture Centre, 1st March 2007 (10st Isfand, 3744z)

In corporation with Zoroastrian Student Center (ZSC), Arts/Culture Organization of Tehran Municipality and Mellat Culture Centre



HAPPY NOWRUZ



The Zoroastrian Journal

Vol. II No.5

Publish: Quarterly, Spring 2007

Topics: Religions, Culture, Social,
Science, History, News...

Senior Editors: **Behram Deboo, Shahrooz Ash**

Chief Editor: **Mehrdad Mondehari**

Director and Publisher: California Zoroastrian Center

A Non Profit Organization

Board of Directors, Session 14

Mr. Shahriar Afshari, Mrs. Manijeh Ardeshiri,
Mr. Ardeshir Baghkhaniyan, Mr. Hooshang Farhmand,
Mrs. Nasrin Ordibehshti-Waltman, Mrs. Armiti Yazdani.

Typesetting & Page layout: Hassan Alizadeh

Printed By: LA WEB PRESS

Authors/Writers

Shahrooz Ash, Firoozeh Ardeshiri, Armita Dalal,
Roshan McArthur Behram Deboo, Bobby Bliss,
Phyllis Mc Intosh, Soudabeh Sadigh, Mahzad Shahriari,
Dr. Bassam Kasravi, Dr. Niaz Kasravi, Dr. Ali Jaffary,
Aryana Behmardian, Roya Behmardian, Ava Parsi,
Armen Maziyasni, Ashkan Salamti-pour,
Ramin Shahriyari, Joe South, Nusheen Goshtasbi.

Email: info@CZCJournal.org



COVER STORY

Page 4 - Nowruz

WORLD NEWS

Page 5 - The world Zoroastrian council
- Bam 6.6

KIDS CORNER

Page 6 - Happy Nowruz to you all

YOUTH CAFE

Page 7 - The Purpose of Religion
- Being Born A Zoroastrian
- Google Zoroastrian

LITERATURE

Page 8 - One World
- Nima Yushij
- My Dream

GATH'S SECTION

Page 9 - The Concept Of Asha in Zoroastrianism - Part II
- The Exalted position of dogs in Zoroastrianism

HUMANITY

Page 10 - The Power of change
- Memories from the past & Hope for future

History & Culture

Page 11 - Women in the Gathas & Later Avesta

PHILOSOPHY

- Hegel's Philosophy Of History

Page 12 **GENERAL**

- Ten Steps towards a healthier year!

Page 13 - Tasha Soroosh
- A Musical Zoroastrian

Page 14 - Nowruz around the world

Editor's Note

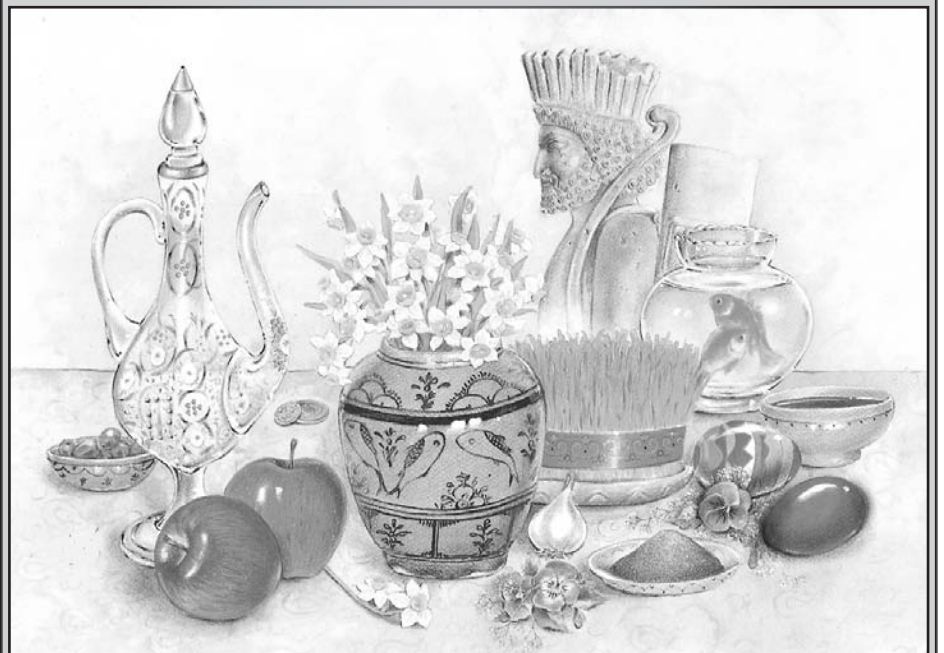
By Mehrdad Mondegari

Nowruz is one of the oldest and happiest of our Persian customs. Our ancestors began celebrating this holiday thousands of years ago. Over time, Nowruz becomes rooted into each of our lives, and each year it brings back memories of good times in the past. Nowruz is now a sign of our national identity and part of our heritage.

Persian heritage and the Zoroastrian religion are not closed to outsiders. We should openly celebrate these festivities and keep the customs alive. That way, those who are unfamiliar with our customs or new to our faith may learn and

in their new Abu Dhabi museum, and using 'Gulf' or 'Arabian Gulf' instead. It is worth noting here that the move could be politically motivated; it is rumored the Louvre has benefited from large Arab donations, most significantly for an Islamic art wing, which has been heavily funded by a Saudi billionaire.

These are just a few examples of current events that are damaging our heritage. It is difficult to watch these things happen without wanting to do something. Here are a couple of simple actions with which we, as individuals, may do much to stem the negative tide



enjoy the holiday celebration with us. Unfortunately, some groups (both in and outside of Iran) have recently been trying to damage or ruin people's perceptions of Persian historical images. For example, on TV and in the movies, the names of Persian kings and heroes are being used for negative characters and personalities. We have also heard news regarding events such as the flooding of Pasargadae (the location of Cyrus the Great's tomb) or the construction of a railroad track too close to Naghshe Rostam, another Persian historical site. Others are even trying to change geographical terms to our detriment. According to an article in Persian Heritage Monthly (January 2007), the Louvre Museum in Paris has been eliminating the name 'Persian Gulf' from its guides

and protect our heritage.

First knowledge is power. Learn the truth about these attempts to soil our heritage. Secondly, welcome outsiders into our groups and celebrations. As they learn and interact with us, they will become our friends, standing with us to protect our heritage. Finally, in individual or group conversations, stand up for your Persian and Zoroastrian heritage. Let's not allow the ignorant to have the last word. Thank God for our wonderful heritage which provides a strong foundation for our daily lives.

So enjoy the celebration and when given an opportunity, inform others about our unique customs and unrivaled history. Let everybody know what a truly remarkable heritage we have.

Happy Nowruz!!!

Special Thanks
To our Sponsors
For their Generous Donation
Mrs. Gilda & Mr. Bahram Kasravi
Mrs. Shida & Dr. Ardeshir Anoushirvani

Nowruz

By Shahrooz Ash and Roshan McArthur

Nowruz (new year, or more literally 'new day') is the most important celebration for people who speak Iranian languages. In ancient times Aryan tribes believed that the spirits of their deceased families and friends would come to visit their descendants and their homes. Families filled their homes with the sweet fragrance of flowers such as hyacinth and narcissus. The burning of wild rue, which is called esfand, is a tradition believed to



keep evil spirits away and provide a nice aroma in the house.

This ancient festival has been celebrated by Aryan People for at least 4000 years – and some claim over 12000 years, thus before the birth of the Zoroastrian religion in Persia. Persians celebrated the first 13 days of the year. They believed Foruhars, the guardian angels for humans, and the spirits of deceased would come back for a visit. Flames were burnt all night to ensure the returning spirits were protected from the forces of evil. There were gatherings in joyful assemblies, with prayers, feasts and communal consumption of

ritually blessed food. Rich and poor met together and the occasion was a time of general goodwill when quarrels were resolved and friendships renewed.

Nowruz is the most anticipated and favorite celebration for Persians, and it occurs exactly on the Spring Equinox in the month of March. This occasion has been renowned in one form or another by all the major cultures of ancient time, in Mesopotamia, Sumeria, the ancient kingdom of Elam in Southern Persia and Akadd.

Nowruz is about the birth of creation, the story of life and light, though perhaps most of all about the divine creator itself, Ahura Mazda. To protect his creations the Lord of Wisdom (Ahura Mazda) created six holy immortals known as 'Amesha Spenta'. The first three were male deities; Vohu Xshathra (the Good State), Asha (Righteousness) and Vohu Manah (Good Mind, or Good Thinking). The other three were female deities; Haurvatat (Perfection), Spenta Armaiti (Mental Tranquility) and Ameratat (Immortality). Ahura Mazda became the protector of humans and fire. The six immortals are the names of six of the months in the current Iranian calendar. To begin the cycle of life, the plant produced seeds; the bull produced all animals, and from the human came the first male and female. The rest of humanity was created from their union. This was called the first Nowruz, meaning 'new day' and the beginning of the cycle of life. It starts at the beginning of spring, and the cycle of creation and life is remembered and embraced.

The concepts of hell, heaven, free will, future existence, the coming of the Messiah, and the last judgment are the foundation of the Zoroastrian religion. These concepts also found their way into Judeo-Christian and Islamic traditions. The Lord of Wisdom (Ahura Mazda) residing in the eternal light was not God. He created all that was good and became God. Everything that produced life, protected and enriched it was regarded as good. This included all forces of nature beneficial to humans. Earth, waters, sky, animals, plants, justice, honesty, peace, health, beauty, joy and happiness were regarded as belonging to the good forces.

Nowruz is an important moment. The countdown is often followed carefully on the radio or television. As the countdown ushers in the new year, everyone rejoices, kisses each other, exchanges Nowruz greetings and wishes each other 'Happy New Year'. Gifts are exchanged, usually gold coins. It is believed that the next visitor to the home will set the tone for luck in the new year, so generally the family will send its youngest and purist member to go outside with some sweets and knock on the door. People celebrate for 13 days. Families gather to take pictures, share sweets and celebrate.

Another fun tradition for children is the painting of the eggs for Nowruz. This is much like the Easter tradition of painting eggs. This is a good way to teach children about the significance of Haft Shin. Haft Shin is the table spread which the family gathers around to celebrate the New Year, much like the Yule or Christmas tree. It is the focal point of the celebration and ensuing visits, and as such Iranians take great care and pride in putting together a lavish and elaborate spread to signify all that they want in the new year. The sofreh is prepared a day or two before Nowruz. Items you placed on the spread signify renewal, happiness, wealth, good health or any thing that you desire for the new year.

Remember that this celebration is one of hope, promise and good fortune, so have fun with it and share the joy with all your friends and family.



Dear Friends,

The Zoroastrian Sports Committee (ZSC) invites you to join us for the 5th Zarathushti Unity Cup Soccer Tournament, to be held in Redondo Beach, California, September 2007. This tournament promises to be the best and most well-attended yet!

What: The 5th Zarathushti Unity Cup Soccer Tournament

When: September 1 - 2, 2007

Where: Aviation Park, Redondo Beach, California

Why: An amazing good time!

Applications will be available shortly. To find out more information please visit us at: <http://www.zathletics.com/>

Tell your friends and help spread the word.

If you have any questions, please e-mail us at: zsc@fezana.org.

Come one, come all...athletes, spectators, fans, and friends. We look forward to seeing you!

New challenges on the way of inundation of Sivand Dam

Soudabeh Sadigh
foreigndesk@chn.ir

Do not destroy Pasargadae, this was the slogan of the people at a demonstration in front of Iran's Ministry of Energy, and Iran's Cultural Heritage and Tourism Organization. A large number of cultural heritage enthusiasts stressed their objections to the inundation of Sivand Dam.

Tehran, 7 February 2007 (CHN Foreign Desk) -- Today a larger number of cultural heritage enthusiasts gathered in front of Iran's Ministry of Energy to voice their objections against inundation of Sivand Dam in Pars province, the protesters were holding placards. The attendance of a representative from the Public Relations Department and some of the authorities of the Ministry succeeded in calming down the crowd. They promised the protesters that the flooding of the dam will not start until the formal permission of the President of Iran's Cultural Heritage and Tourism Organization (ICHTO).



The protesters left the area for ICHTO, and continued their objections. Placards in the crowd read: 'Preserving cultural heritage is preserving the cultural values of a country.' Another placard read, 'Protecting cultural heritage is as important as protecting the geographical borders of a country.'

The protesters shouted, 'With the inundation of Sivand Dam what will be your answer to next generations? Rescue historical sites in Sivand region. Save Pasargadae. Inundation of Sivand Dam will endanger Iran's cultural heritage and ecosystem. The method of using a dam for producing energy costs too much.'

The outcome of the objections was this. The protesters succeeded in winning the approval of the counselor of the President of ICHTO to hold a session with the authorities of ICHTO, Iran's Ministry of Energy, and NGOs. They promise to discuss the case in detail.

Dam construction has become one of the nightmares of Iranian cultural heritage enthusiasts in the recent years. Constructions of dams in Iran have threatened the country's rich cultural heritage. One of the most important examples of this act is the construction of Sivand Dam in Bolaghi Gorge, in Iran's Pars province. This area is an important archeological site which is very close to the world heritage site of Pasargadae. Dam construction has become one of the nightmares of Iranian cultural heritage enthusiasts in the recent years. Although economically important, construction of dams in Iran have threatened the country's rich cultural heritage. One of the most important examples of such is construction of Sivand Dam in Bolaghi Gorge, Iranian Pars province, which is an important archeological site close to the world heritage site of Pasargadae.

Claremont Graduate University Council of
Zoroastrian Studies Presents

First Annual Nowruz Bazaar

Sunday March 11, 2007

FREE ADMISSION

Haft-Seen goods for sale, egg-dying, basket-making, professional pictures with Amoo Nowruz, Persian foods, carnival games for children, entertainment, contests, raffle tickets

Time: 12:00noon to 4:00pm

Place: International Place, Claremont McKenna College,
390 East Ninth Street, Claremont, CA 91711

The World Zoroastrian Council

The World Zoroastrian Council was formed recently to organize the world's ever-growing international Zoroastrian population, currently estimated at over three million. The Council has adopted a flexible approach to membership, inviting all existing Zoroastrian organizations to become members, as well as encouraging everyone who believes in and follows the teachings of Zarathustra to form Anjumans and become members.

In January, the organizing committee of the WZC held its second meeting in Paris. Participants from Australia, Canada, the US and Europe drafted a constitution, elected a five-member Board of Directors to stand for two years, and selected a five-member managing committee. Seven other committees were also selected to cover Research & Education, Religion & Customs, Festival & Exhibition, Public Relations, Finance and Membership. Each group was to present its plans of action within a month to the managing committee.

Details of future programs will be announced through the website, www.w-z-c.com.

Bam 6.6:

A documentary film by Jahangir Golestan-Parast

We all remember the events of 2003 when a devastating earthquake hit the beautiful World Heritage Site of Bam. It measured 6.6 in magnitude and killed 50,000 people. The 2000-year-old citadel was decimated, and many of those who survived lost everything.

A new movie Bam 6.6 tells the story of the human impact of this almost unbelievable natural disaster. Iranian-American filmmaker Jahangir Golestan-Parast follows the tales of a Jewish-American, an American businessman and the Iranian residents of Bam as they were thrown together into the rubble that the village became. The movie shows how the horrors that they witnessed overcame religious and cultural barriers and stereotypes.

The movie is Golestan-Parast's tribute to the victims of the earthquake, the Iranians who lost their lives, as well as the foreigners like Gavin Sexton, a British firefighter who was at the time a tourist. It is also his attempt to show the beauty, poetry and passion of his home country to his American wife and many others who know little other than negative news headlines. For further information, please visit www.essen-ceofiran.com.

Sacred Texts Conference

The Zoroastrian Studies department at Claremont Graduate University has reached another milestone. Zoroastrianism has been recognized as an important source code for world religions and will be explored at the Sacred Text Conference on April 15th, 2007. Claremont Graduate University in cooperation with the Claremont School of Theology has coordinated this unique conference. The focus of the Sacred Texts event for 2007 will be an exploration of passages addressing relationships with insiders and outsiders, and points of inclusivity and exclusivity, within the Sacred Texts of six groups: Islam, Judaism, Christianity, Zoroastrianism, Mormonism/LDS, and Hinduism. What do these Sacred Texts say about the tension between inclusivity and exclusivity? Are there actions proscribed by the text for treatment of insiders and outsiders?

چاپ کتاب

با بهترین کیفیت و کمترین بها
از یک رنگ تا تمام رنگی

شرکت چاپ آنلیمیتد

Tel: 818-882-1212
Fax: 818-882-7531

Email: Unlimitedprinting@sbcglobal.net

Happy Nowruz to you all!

Nowruz is the Persian New Year which starts at the moment spring arrives. This time is also known as the vernal equinox.



Millions of people in different countries celebrate Nowruz.




A few weeks before arrival of Nowruz, people start getting ready for this great celebration. They clean their homes. They buy new clothes and shoes. They grow wheat, bake delicious sweets, cookies and cook different kinds of yummy food.



For Nowruz a special table is laid. The name of this table is "Haft Seen". In the Farsi Language "Haft" means seven and "Seen" is the letter "S". Therefore "Haft Seen" means: "Seven S's". This special table consists of seven items that start with the letter S.



The items that are put on the "Haft Seen" table are:

1. Sabzeh is wheat or lentil sprouts representing rebirth.
2. Samanu is a sweet, creamy, brown pudding.
3. Seeb means apple  and represents health and beauty.
4. Senjed is the  sweet, dry fruit of the Lotus tree and it represents love.
5. Seer which is garlic in Persian, represents medicine.
6. Somaq or sumac berries, represent the color of sun-  rise.
7. Serkeh or vinegar represents age and patience.

Besides the Seven Seen there are other items placed on the "Haft Seen" table.

- A few coins placed on the sofreh represent prosperity and wealth.
- A basket of painted eggs represents fertility.
- An orange floating in a bowl of water represents the earth floating in space.
- A goldfish in a bowl represents life.



A flask of rose water known for its magical cleansing power, is also included on the tablecloth;

- A pot of flowering hyacinth also is set on the sofreh;
- A mirror which represents reflection.
- On either side of the mirror are two candlesticks representing light and fire.



Nowruz is celebrated for 13 days and on the 13th day (Seezdah-be dar) people gather their "Haft Seen" table and take their Sabzeh and go on a picnic.

Celebrating Nowruz is a lot of fun. Tell all your friends who don't know about Nowruz!

The Purpose of a Religion

By Roya Behmardian

Doctors help people's lives, firefighters save people's lives, and religions form people's lives. However, it is up to you decide how you want it formed. What is a religion? It is, all in all, a set of moral guidelines that affect the way we think, and who we are. All faiths have different sets of guidelines, but our religion is unique.

Zoroastrianism lets you think on your own, and lets you decide what the right thing is. By doing this, it is not Zoroastrianism that forms our lives, it is us. We are the ones that follow the right path, and we are the ones who have good thoughts.

However, for other faiths this is not the case. Because many religions have rules that don't always have explanations, it is difficult for a person to think on their own. And in turn, it is difficult for them to build character.

When I was younger, people would always ask me about my religion. Being the small eight-year-old that I was, I didn't have much to say. However, now I know a lot more about my religion.

The truth is Zoroastrianism can be found inside every human being. Every person who lives by morals, does the right thing for the right reason, and respects everything is a Zoroastrian in my opinion. This means that everyone is given the opportunity to think on their own – Zoroastrianism just enforces that.

Arman Mazdiyasn
- CZC TEEN GROUP

Many people believe that all calendars are the same; however when it comes to the New Year, the Christian calendar and the Persian calendar are different. For the Christian calendar, people around the world wait for midnight before celebrating the New Year. Though this may work fine, people around the world aren't celebrating the New Year at the same time. The Persian New Year however, is celebrated at the same time all around the world. We wait for the beginning of spring in the northern hemisphere and the beginning of fall in the southern hemisphere, which is at the same time. It doesn't matter if it is noon in Iran and midnight in the United States, we still celebrate the New Year at the same time. That is why the Persian calendar makes more sense to me, because it is a synchronized New Year, it is not different around the world.

Google Zoroastrian

By Nusheen Goshtasbi

When I was in seventh grade I had to do a report on a disease called Adrenoleukodystrophy, which I had never heard of. I went home and Googled it. There was so much about this disease that I couldn't believe I didn't know what it was. When I went to school and told my friends about the disease, nobody else knew about it either. I was surprised that something with so much information was so unknown to everyone. But when I thought about it, that's kind of how Zoroastrians are.

I Googled Zoroastrian later, and even more pages came up than Adrenoleukodystrophy, and nobody at my school has heard of it either. When someone outside my house asks me what my religion is and I say I'm Zoroastrian, usually I get a puzzled look from them. Sometimes they ask me what that is or if I made it up, so I just suggest they Google it.

The movie 300: an inaccurate portrayal of Persians

By Shahrooz Ash

For some reason, the movie 300 is targeting the only benevolent empire the world has ever known to this present day, the Persian empire. It is not an accurate reflection of the battle, is not a reliable academic account, and is ultimately ludicrous. Every historical account of the battle proves the movie to be nothing but fiction.

Is the director creating his own version of history in an attempt to create hate towards the Persian people? Movies such as 300 can flame hatred towards Persians and can be harmful to the Persian people. Why has Warner

Being Born a Zoroastrian

By Ashkan Salamati-pour

Many times I have wondered why people out in different parts of the world are starving to death and I am not. I ask myself why I get to live in one of the greatest parts of the world and with so many opportunities. Even though I can never be thankful enough for what I have, there is one question that appeals to me the most; this question is, of course, about religion. Being Zoroastrian has not only shown me how other religions are, but it has shown me that I would never want to have been born into any other religion.

Some people will kill each other in a heartbeat if their religious views are opposed in any way, but I believe that religion is merely a loosely-supported theory about the unknown world. We should be focusing more on what is actually real, and on what we know, rather than what someone may have falsely passed down throughout the generations. Just because many people believe something, doesn't make it true. Zoroastrianism is one of the only religions that show you what is right based upon known facts, and lets you choose your own way arbitrarily. It doesn't force you to do random and unnecessary things just because it is believed that you will later go to a "better place".

People are too blind to realize what they believe in may be unreasonable, but don't care because they are indoctrinated with their beliefs throughout their entire lives. Thankfully I was born Zoroastrian and can see the other religions without thinking that everyone who doesn't follow my beliefs is wrong. This I consider to be the best part of my fate and am thankful for it.

Inspired by a Zoroastrian

By Aryana Behmardian

A lot of people would not stand up in front of a classroom and correct something that has been written down falsely in a book; however, there are some people that do and they have no doubt in their mind that they are right. People with that kind of courage, to me are the real Zoroastrians, and that's basically what our religion is based on, doing the right thing. If you do the right thing, you will get a good outcome, right? I know someone who is very truthful and courageous, someone who stands up for what he believes in no matter what any book says.

One day this boy was sitting in his history class learning about the first monotheistic religion. He was surprised! The teacher described the first monotheistic religion as Judaism, but this was wrong; Zoroastrianism came about at least 1,000 years before Judaism. The boy knew the right thing to do was to raise his hand and correct the teacher of the book's huge mistake. When the teacher called on him, he explained thoroughly that the book was wrong; the first monotheistic religion was Zoroastrianism, not Judaism. Instead of making him write an essay or report, the teacher told everyone to take their books and write in that Zoroastrianism was really the first monotheistic religion. I'm sure that he felt great after setting things straight.

So it's true, you do get something good when you give something good. That thing wasn't something that he could touch, play with, or wear, but it was the happy feeling that he got by spreading the word of Zoroaster and the people he helped understand what this religion was all about. That, my friends, is the true meaning of doing right. I was inspired by him when I found out about this incident and it makes me want to shout to the world that I'm Zoroastrian and proud of it. I hope that someday we will all be like him and spread the word of our wonderful religion.

Bros. Studios targeted the benevolent Persians who saved the religion of the Jews?

This move is ultimately a fraud. Hollywood is notorious for making movies that are grossly misleading and offensive to millions of Persians. Is it jealousy towards Persians that has encouraged Warner Bros. and its director to misrepresent them? Persian superiority has been proven through out their history because of their righteousness. Apparently, the studio contemplated calling the 'bad' guys 'Zoroastrians' instead of Persians. This would have been offensive to all Zoroastrians who follow the oldest monotheistic religion in the world, founded by Iranian prophet Zarathushtra 4500 years ago. The studio and director of the movie 300 are behaving irresponsibly in promoting hatred towards the Persian community. The consequence of this irresponsible behavior could come back to haunt them.

One World

by Chris de Burgh

I can feel it in my blood, I can hear it in my footsteps
I can see it all around, that everywhere connections
Are breaking away, and people know that something must change

There are better men than I, who with courage and conviction
Are patrolling the lines, waking up the sleepers who will not decide, And do
not think there's anything wrong;

But we are all living here in this beautiful world, sharing
sunrise every day, we may have different lives, but for all of us,
Here we will stay.

We're living in one world, sleeping in one world, dreaming in one world, and
no-one's going anywhere,
We're living in one world, working in one world, breathing in one world.
We're just the same as anyone;

I believe there is a God, but it doesn't mean that my God is greater than yours,
it only means we all have the right to believe, 'cos nobody knows it for sure,
for sure; if there's a heaven or hell, or a sweet paradise or a place where we all
meet again, 'cos with minimal change Everyone here is the same;

We're living in one world, sleeping in one world, dreaming In one world, and
no-one's going anywhere,
We're living in one world, working in one world, breathing in one world,
we're just the same as anyone,

Listen to the voice of millions calling me and you,
Take good care of everywhere 'cos this is my home too,
Laughing in one world, crying in one world, hoping in one world, praying in
one world, trying in one world, this is my home too, one world, one world,
one world, one world,

A prayer for the New Year

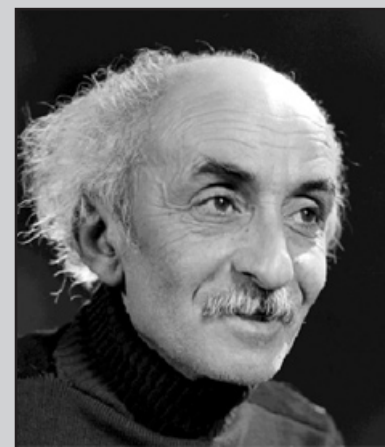
- * Let not anger enslave me, Ahura Mazda
- * Help me, Ahura Mazda, to bear with circumstances that provoke my anger.
- * Give me patience and forbearance even under provocation.
- * Let me forget offences committed by my neighbor against me.
- * Teach me to forgive, as I would be forgiven.
- * Enable me to take words of violence with equanimity.
- * Let me not dwell upon the wrong done me.
- * Let not harsh words of my opponent rankle in my heart.
- * Let me disarm his anger by my affable disposition.
- * Let me not be out of humor.
- * Let me not wax wrath with anyone.
- * Help me not to speak or do anything until the heat of my excitement is cooled and my anger has subsided.
- * Let the fire of my anger be extinguished before it begins to burn.
- * Help me to bridle my passion.
- * Save me from the weakness of ill temper and help me to put a curb on it.
- * Enable me to control my movements and let me always have a grip over myself.
- * Keep me always in the best of tempers.
- * Give me the calm repose of mind, a meek and mild spirit, a serene and unruffled temper, that I may master my anger, control it and conquer it and rule it, Ahura Mazda.



Nima Yushij

Father of Modern Persian Poetry
(1896-1960)

Read it for yourself, and you be the judge



The Soldier's Family,

Translated to English by M. Alexandrian

The candle burns, beside the curtain set,
So far this woman hasn't slept yet;
Over the cradle she leans (alone),
O wretched one, O wretched one.
A few rags form the curtain of the spouse
To protect the house.
For two days no food she has tasted,
With two kids, she hasn't rested;
One is ten, she is sleeping,
The other is awake and wailing.
She cries for her mother's milk which is small
This is another woe, (it is dismal).
The neighbor's child wears well,
She has her sports and eats well.
What difference is between these (I'm grieved)
What the other owns this one is bereaved.
A soldier's child dressed in rags (and gall)
Why must she live at all?
All she sees is but asperity
What she reads, breathes adversity;
Her back is bending, with all the load,
Her eyesight is dim in this abode;
Thus she labors like a man;
Thus she toils, the woman.

Nobody is Around, Let's look deep inside

Better to remain silent and be thought a fool than to speak out and remove all doubt.
(Abraham Lincoln)

- A successful man is one who can lay a firm foundation with the bricks others have thrown at him. (David Brinkley)

All that we are is the result of what we have thought. If a man speaks or acts with an evil thought, pain follows him. If a man speaks or acts with a Pure thought, happiness follows him, like a shadow that never leaves him. (Buddha)

- If I had my life to live over, I would perhaps have more actual troubles but I'd have fewer imaginary ones. (Don Herold)

My Dream

I dream of a day when the breath of the great Prophet Zarathushtra shall sweep again through His temples, fanning the ashes on the altars of these ancient fane, and every altar shall flash into flame, and again from heaven the answering flames shall fall making the Iranian religion once more what it ought to be, a beacon-light for the souls of men, one of the greatest religions of the World.

Annie Besant

The great God is Ahuramazda, who created this earth, who created yonder sky, who created man, who created happiness for man.

The Exalted Position of the Dog in Zoroastrianism

By Behram Deboo

Aryans were nomads as well as settlers. They had a very loving relationship with dogs, as they were their constant companions, faithful guards and brave protectors of their flocks and families. This was very important during those days of marauders and pillagers, who robbed them of their meager property, cattle and other animals such as sheep, goats and camels.

When the Aryans lived in Central Asia, sheepdogs could be found from Iran to Tibet as well as on the famous Silk Road to China. One sheepdog that has many thousands of years of outstanding history is the Persian Sheepdog.

Aryans who embraced the religion of Zarathushtra kept up an affectionate relationship with dogs and elevated them to a spiritual and eschatological level (doctrine of life after death). A position of honor.

Genealogy of the Persian Sheepdog

Dogs are believed to have descended from a creature called Tomarctus that roamed North America 10 to 15 million years ago. It was a short-legged predator and probably gave rise to wolves and jackals but not to foxes or other dog-like creatures that belong to separate genera. All dogs, comprising at least 150 separate breeds worldwide, belong to *Canis familiaris*. All breeds descended directly from four sub-prototypes of Tomarctus: *metris-optimae*, *intermedius*, *leineri* and *inostranzewi*.

From *Canis familiaris metris-optimae* came the famous Persian sheepdog, the

predecessor of the German Shepherd, Collie, Old English Sheepdog and Briard. From *intermedius* came Huskies, Chows, Setters and Spaniels, hardworking hunting dogs. From *leineri* sprang swift Greyhounds, Beagles, Great Danes, Dachshunds and Fox Terriers. From *inostranzewi* came Bulldogs, Newfoundlands and Labradors. The fact that dogs of these four different groups can still interbreed proves they belong to one, and only one, species. A question arises: how come there are so many breeds? Breeders achieve diversity, size, color, shape and other traits by using Mendel's law of genetics. They conduct selective crossbreeding until certain traits are acquired or eliminated.

The role and value of dogs in Zoroastrianism

Romans and Persians had some common customs, though they observed them differently. They both had fire priests, a love for dogs and an idea of spirits. According to Ovid, statues of dogs were found on the altars of certain Lares (or virtuous spirits), to guard the home and chase away thieves. This represented the dog protecting the door of the master, while Lares protected the interests of the family, similarly to Fravashis. Zoroastrians continued the culture of Indo-Europeans. No doubt, in other cultures, it faded away due to the impact of Christianity.

According to Greek mythology, a three-headed dog called Cerberus guarded the

underworld. Vedic Aryans believed that a four-eyed dog protected the entrance to Yama's abode (the king of death). So we were not alone.

Sag-did is a funeral ceremony where a 'four-eyed' dog known as Chathru-chashma (a dog with two eye-like white spots above the eyes) is brought and shown the body every Gah, before and after the prayers, and also for the last time at the Tower of Silence. There are two reasons for this, one scientific and one theological. Scientifically speaking, a dog's nose has 200 million receptors while humans have only five million. Dogs also have a much better hearing capacity than humans. Because of layers in their retinas, they have ability to see in subdued light. A dog is in a position to detect life in a person if he is in a coma or barely breathing, or to make sure his life is extinct. In modern times, dogs have been used to unearth humans buried after earthquakes or snowstorms. Dogs are used for many other reasons like detecting bombs and narcotics, or finding lost children.

Now we come to the theological reason. According to The Vandidad, a dog's eyes have the power to purify something which might have been contaminated. Some attribute this to the dog's magnetic gaze. Some say the spotted dog would stare at the body only if life was extinct from it; otherwise it would avert its gaze. It was believed that the dog was the only animal that could protect the soul from contamination by evil spirits, so it was the dog who guided the soul to the entrance of the Chinvat Bridge (Al-Sirat in Islam) before judgement took place. Thus, the dog was sacred to ancient Iranians.

righteous person is blessed in this world and the world after. Zarathushtra gives an eternal hope of blessed spiritual life beyond this world. Cultivating the land to grow plants and raising the cattle were considered the acts of righteousness. Zarathushtra asks to use truth and good mind to live a virtuous, happy life. Ahura Mazda watches deeds of righteousness and unrighteousness through Asha. As such, each receives his/her own reward.

Zarathushtra, community and Asha

The followers of Asha in any community are called Ashavans while those of Druj (untruth, lie, deceit, etc) are Dregvants. On the basis of this truth, Zarathushtra defines righteous and unrighteous people and enjoins us to bring those who strayed away to the path of righteousness, as he does in Yasna 28.5. According to Yasna 29, there was a time in Aryan history when people were attacked and robbed of their belongings, sheep, cattle and camels by unrighteous people. Their livelihood depended upon the survival of fertile lands and pastures. It is believed that wheat grew wild in Iran. However, the main grain used was barley. They consumed milk and milk products, as well as goshand meat. Such is a scenario of a family, community, province and country not geographically specified in Gathas, though we know it was somewhere in the Central Asia. They eked out their peaceful living by not harming other tribes or robbing them after imbibing intoxicating drinks. Those warrior-horse-riders who did such outrageous acts were called Daevas or followers of lies.

Zarathushtra condemns such people for their cruelty and wants them to follow the path of righteousness that leads to happy, peaceful settlements. This is very clear in Y 48.11. Zarathushtra asks Mazda when Aaramaiti (peace, harmony and serenity) with Asha will bring peace against violence committed by the followers of Druj (Dregvants). We get that answer in Y 48.12. He says, 'Indeed there will be Saoshyants (benefactors of humanity) of the lands who will respond with their Spiritual Insight accompanying with Vohu Manah and will perform actions inspired by Asha and your teachings. These benefactors will be the vanquishers of anger, hate and violence.' He prays that Mazda protect him and his followers through Asha (Y 34.7). Wise men, Redeemers, saviors, truthful men, just rulers and leaders, holy men, saints and honest officials one way or the other fall into the category of Saoshyants to various degrees as they promote the welfare of humankind in a society of any land through truth, piety and justice (Asha).

This idea is found in Gathas as well as in later Zoroastrian theology where the heads of house, village, district and country are asked to promote Asha for the benefit of people and where each such a leader is addressed Ashoane Ashahe Rathve (righteous leader of righteousness). This is germane to any democratic society (vohu khashathra as applied to human beings) where the vision of Zarathushtra is to establish an ideal society (haurvatat, perfection to be achieved individually and collectively) and whoever promotes righteousness is like Ahura Mazda. Thus, the teachings of Zarathushtra are unique and relevant to any era to come.

To be continued.

Character of a dog in Vandidad

We find in The Vandidad the science of breeding and caring for dogs, as well as a description of a dog's nature. Iranian veterinarians treated sick and injured dogs with medicine and surgery, just as they did human beings. Dogs, especially those from India, were used to protect domesticated animals, for hunting and in wars. When Xerxes attacked the Greeks, he took these attacking dogs with him.

We also find a beautiful description of a dog in The Vandidad, Chapter 13. A dog has eight characters:

Priest: Like a priest, he is grateful and eats small pieces of bread.

Warrior: He fights to protect the milk-giving cows.

Husbandman: He is watchful and sleeps like a husbandman, who goes out first and returns home last.

Strolling singer: He sings, walks in a leisurely fashion and is poor.

Thief: He likes darkness and is a shameless eater like a thief.

Wild beast: He likes to prowl in darkness like a wild beast.

Court lady: He sings, is intrusive, is poor and walks like a courtesan.

Child: He likes sleeping, is apt to run away, and walks on all fours like a child.

In India and ancient Iran, people put aside morsels of food to feed the house or street dogs. The author of this article followed this custom when he lived in India. In short, dogs and Iranians have a long history of mutual benefit, respect and love.

References:

1. 'Parsis and Inbreeding' by Behram S. Deboo.
2. 'The Religious Ceremonies and Customs of Parsees' by Dr. Jivanji Modi.
3. 'Zoroastrian Civilization' by Dr. Maneckji Dhalla.

The Concept of Asha in Zoroastrianism (Part II)

By Behram Deboo

In the last issue, we discussed the origin of the word Asha among the Aryan peoples. We also discussed how Zarathushtra prays to have the vision of Asha to bring support to himself and his followers, in order to bring the relief to suffering humanity. The beauty of Zarathushtra's Dayena or Daena is the principle of universality he uses in God's attributes. Thus, Asha is a universal, evolutionary principle with the Creative Intelligent Force he calls Spenta Mainyu. Asha also represents constant change as the whole universe is in constant flux. Just as a river does not flow twice, no moment of our life occurs again. It remains a past memory, reflections and consciousness leading to the next stage of the future. Before we go further, I would like to explain the essence of truth. The essence of a rose's fragrance is only found after the process of purification that the petals go through, whereby the nectar is extracted, giving us sweet aroma or essence. This leads to the concept of Astvat Ashem (Y 43.16), meaning the material truth that deals with the truth in the material world, as opposed to the Spiritual Truth in the spiritual realm. In this verse, Zarathushtra prays for Asha to materialize in the life-breath with full strength in the full view of the sun. As we proceed further we will see that Zarathushtra uses Asha to explain the nature of being or reality (ontology) and nature of values and value judgment (axiology). A horse is called hypos in Greek but aspa in Persian. These two names do not change the material truth that the horse exists as a horse in both cases, regardless of color or form.

Asha and Vohu Manah

In Gathas, there is a relationship between these two attributes. In Y 43.2, Zarathushtra prays them to grant the wisdom of Vohu Manah (good mind) through righteousness (Asha) for all days, along with the joy of a long life. He prays for the strength through Asha (Y 33.12). He asks for the fulfillment of good mind through Asha. In Y 34.12, Zarathushtra requests Mazda to show the paths of truth (Asha) that are good to tread through Vohu Manah. In Y 31.5, Zarathushtra claims to be a seer (prophet). Its translation by Dr. A. Jafarey is as follows: 'Speak to me so that I can discern what has been made better with righteousness, and know and realize through good mind what has been granted to me as seer. Also, Wise One, things that will and will not happen.' Vohu Manah's reward comes through Asha. These rewards are the blessings of both the material (gaetha) and spiritual (mainiyava) existences given by Ahura Mazda through Asha. A

The Power of Change

By Ava Parsi

As a new year and a new season are upon us, it is time once again to make resolutions and begin with a fresh start. To most people, this translates into beginning a healthier life. A healthier lifestyle can help create a healthier mind and lead to happiness. A common myth is that we do not dictate our lifestyles, corporations do. The fact is each year consumer spending is increasing, and as a result, consumer behavior is beginning to dictate our lifestyle preferences. For the first time, consumers have the power to initiate change.

It has been said that change is a good thing, and it can be, depending on the type of change one makes. Nowadays, the American media is constantly bombarding us with facts and figures informing us of the rise in obesity and Type II diabetes and other weight-related diseases. Although we are surrounded by 'bad' foods and tempted by 'bad' habits, there are many instances when our senses triumph over temptation. What we do not hear enough about are the changes people and companies are making to prevent these types of health issues.

One example can be seen in our school systems. After much debate, controversy and lobbying, school boards were finally persuaded to make changes and replace items in their vending machines with healthier options and offer more nutritious, less fatty and sugary meals on their cafeteria menus. Since these changes have been made, school officials are noticing that students are responding positively and embracing the changes by choosing milk and fruit, for example, instead of French fries and soda.

It is not just schools that are giving our children healthier options; big corporations are also responding to the public demand for a healthier lifestyle. Fast food giant McDonald's has a life-long contract with soft drink giant Coca-Cola and has offered the soda company's limited range of beverages in their restaurants since the beginning. Consumers have taken a stand and lobbied the fast food chain insisting that they offer beverages that have less sugar to go along with the healthier meals they have recently introduced on their

menu. As a result, McDonald's will begin introducing refrigerators similar to those found in convenience stores that offer a wider variety of beverages from juice to iced tea and water. Coca-Cola, which has taken the hardest hit from this change, has begun making their own change by allowing their bottlers and distributors – who have historically only worked with Coca-Cola brands – to begin helping smaller organic companies, such as Honest Tea, brew their way to success.

One of the biggest successes on this front came from The Walt Disney Company. The leader and renowned authority in family entertainment recently announced that menus in all of their theme parks and resorts will be changed in order to provide better quality foods for visitors. All recipes that were once created and used by Disney chefs will be reformulated so that no food item sold on any Disney owned property or branded with the Disney name will contain the trans-fats that are so commonly found in most mass-produced foods. With the millions of people who visit Disney parks and resorts every year, it is comforting to know that the entertainment giant is doing its part to ensure that its consumers can maintain a healthy lifestyle while enjoying the Disney experience.

I write about these instances to show how significant a simple change can be. We as consumers have the power, and indeed the responsibility, to dictate the terms that we once thought were non-negotiable. Unlike what the media has told us, we do not have to fight a losing battle. Norouz marks the first day of spring and with that a new beginning. It symbolizes life, health and happiness. While most of us might see this holiday as a time to don new clothes and visit with friends and family, it is also a time for us to start anew. It is during this time that we can take up new habits, keep new resolutions and make much needed changes.

It has been said that change is a good thing. Personally, I believe that, with knowledge, strength and power, change can be a great thing.

Memories from the Past and Hope for the Future

By Niaz Kasravi, Ph. D.

Norouz in Iran

I remember Norouz when I was little in Iran. The entire country was consumed by an air of festivity for weeks on end. The hustle and bustle of setting up the 'Haft Seen', cleaning house, making traditional sweets that would go on the table, buying new clothes, and preparing the extravagant feast of 'sabzi polo mahi' – fish with herb rice – and all the trimmings to be consumed on New Year's Day. We spent weeks in preparation for the occasion followed by weeks of celebration.

If there was ever a magical time during the year, it was Norouz. Schools were shut down for two weeks and, despite the homework assigned to us for the spring break – which we usually managed to leave off until the last possible minute – we made the best of our time off, enjoying the blossoming spring foliage, going on vacation, sleeping in, playing with friends, visiting family, and consuming more sweets than seemed humanly possible. And no Norouz would have been complete without the abundant gifts and money we received, not only from our parents, but at most every home we visited.

Yes, for most of us who have emigrated from Iran, our memories of Norouz always overpower us with feelings of joy and nostalgia. They take us back to a time when life was simple, the world seemed bright and hopeful and the future seemed endlessly filled with light.

It seems that our childish innocence, idealism and hopefulness wear off as we get older. Yet, Norouz in the US is still magical, because our families and our communities work to recreate that magic in a land far away from our cultural roots. Still, Norouz has this inexplicable power to spark within us a ray of hope, a need to connect with those we love, and a desire to create a world that more closely resembles the one we envisioned when we were kids.

Every year, as we get closer to Norouz I begin examining my life, thinking about the past year and what I can do differently to make the new year better. This year, I have realized the need to cherish my childhood memories because there are

so many kids who do not get a chance to experience that kind of innocent joy. So, this year, I will devote time to give just a little bit of that joy to those who have never had it. I know, you are thinking, 'Here we go again...' But, hear me out, this is not another article about what is wrong in this world. This time let us focus more on making it right.

The Gift of Hope

To live a childhood without magic is to not have truly experienced being a child. Children who live in poverty live in a world that is devoid of hope. There are so many different charities that we can support, so many causes to rally behind, but none of them – especially during Norouz – is more important than helping children in need. As we get carried away with our memories, and as we give gifts to our families and friends, let us give a little something to children who have not been so lucky.

The first step is to learn about the conditions in which many children live. A good source of information is the United Nations' Children's Fund (UNICEF) – www.unicef.org. UNICEF supports long-term programs in 156 countries, working with governments and other organizations to meet the needs of local children.

If you prefer more direct involvement, such as sponsorship of individual children, you may work with a range of other groups, among them: www.children.org, www.childfoundation.org, and www.worldvision.org. To help you navigate charitable organizations and make wiser decisions about your gift of hope, you may want to visit www.CharityNavigator.org, a non-profit, independent website that provides information on over 5000 charitable organizations worldwide. The smallest bit of research will reveal it often takes less than \$1 a day to support a child in many countries.

Helping pass on a piece of the Norouz magic to a child who has never experienced such happiness, bringing a smile to a child's face...that is the essence of Norouz, that is the essence of hope.

Notable Quotes

'We get to make a living; we give to make a life.'
- Winston Churchill

'You have not lived until you have done something for someone who can never repay you.'
- Anonymous



رامین استواری
RAMIN OSTOWARI
Realtor

26010 Accro Street, Suite 200
Mission Viejo, CA 92691

Mobile: 949.230.7231
Fax: 949.266.9811

E: Ramin@My-RealEstate-Guy.com
www.TheMichaelCliffordGroup.com



— The —
**Michael
Clifford
Group**

"When you want results and not just promises"

Hegel's Philosophy of History

PART I: THE ORIENTAL WORLD

SECTION III: Persia

With the Persian Empire we first enter on continuous History. The Persians are the first Historical People; Persia was the first Empire that passed away.

But here in Persia first arises the light which shines itself, and illuminates what is around; for Zoroaster's 'Light' belongs to the World of Consciousness – to Spirit to a relation to something distinct from itself. We see in the Persian World a pure exalted unity, as the essence which leaves the special existences that inhere in it, free; as the Light, which only manifests what bodies are in themselves; – a Unity which governs individuals only to excite them to become powerful for themselves – to develop and assert their individuality. Light makes no distinctions: the Sun shines on the righteous and the unrighteous, on high and low, and confers on all the same benefit and prosperity. Light is vitalizing only in so far as it is brought to bear on something distinct from itself, operating upon and developing that. It holds a position and antithesis to Darkness, and this antithetical relation opens out to us to principle of activity and life. The principle of development begins with the history of Persia. This therefore constitutes strictly the beginning of World-History; for the grand interest of the Spirit in History, is to attain unlimited immanence on subjectivity – by an absolute antithesis to attain complete harmony.

Thus the transition which we have to make, is only a sphere on the Idea, not in the external historical connection. The principle of this transition is that the Universal Essence, which we recognized, now becomes perceivable in consciousness, becomes an object and acquires a positive import for man. But in becoming objective, this Universal Essence acquires a positive nature: man becomes free, and thus occupies a position face to face as it were with the Highest Being, the latter being made objective for him. This form of Universality we see exhibited in Persia, involving a separation of man from the Universal essence; while at the same time the individual recognizes himself as identical with {a partaker in}, that essence.

In the Persian principle, Unity first elevates itself to the distinction from the purely natural; we have the negation of that unreflecting relation which allowed no exercise of mind to intervene between the mandate and its adoption by the will. In the Persian principle this unity is manifested by Light, which in this case is not simply light as such, the most universal physical element, but at the same time also spiritual purity – the Good. Speciality – the involvement with limited Nature – is consequently abolished. Light, in a physical and spiritual sense, imports, therefore, elevation – freedom from the merely natural. Man sustains a relation to Light – to the Abstract Good – as to something objective, which is acknowledged, revered, and evoked to activity by his Will. That Abstract Good, to which all are equally able to approach, and in which all equally may be hallowed (holy). The Unity recognized therefore, now first becomes a principle, not an external bond of soulless order. The fact that everyone has a share in that principle, secures him to personal dignity.

The Philosophy of History, George W.F. Hegel.; Translated by J. Sibree

HISTORY & CULTURE

Women in The Gathas and Later Avesta

By Dr. Ali Jafarey

It is with the advent of Zarathushtra that the position of woman in society emerged and became clear. The Gathas and supplementary texts in the Gathic dialect are explicit on the subject. The famous stanza of the 'choice of religion' gives equal rights to both: 'Hear the best with your ears and ponder with a bright mind. Then each man and woman, for his or her self, select either of the two (the better and bad mentalities). Awaken to this Doctrine of ours before the Great Event (of Choice) ushers in' (Gathas Song 3 = Yasna 30, stanza 2).



To those who make the right choice and join the Good Religion, he says: 'Wise God, whoever, man or woman, shall give me what You know to be best in life -- rewards for righteousness, power through good mind – I shall accompany him and her in glorifying such as You are, and shall, with them all, cross over the sorting bridge' (Gathas Song 11 = Yasna 46, stanza 10). Yet in another stanza he lauds: 'The Wise God knows best any person of mine for his or her veneration done

in according with righteousness. I shall, on my part, venerate such persons, passed away or living, by their names, and shall lovingly encircle them' (S 16 = Y, st 22). It is this stanza which is later paraphrased in the famous Yenghe Hatam formula, also in a late Gathic dialect: 'The Wise God knows better every man and woman among the living for his or her veneration done in accordance with righteousness. We, on our part, venerate such men and women.'

Furthermore, the Gathas present an inspiring message for the wedding couple. Of his three sons and three daughters, Zarathushtra selected his youngest daughter Pouruchista to give his advice and blessing. He wanted her to have a person 'who is steadfast in good mind, and united with righteousness and with the Wise One' and advised her to 'consult him with your wisdom,' and be progressively serene and munificent. She assured her father that she would 'emulate and choose' him in such a way that her act would be an honor for the father, the husband, the settlers, and the family. 'As a righteous woman among the righteous people,' she committed herself to wisely serve the Good Religion more than ever. Pouruchista moved her father to leave an ever-fresh word for all the wedding couples. 'These words I speak to the charming brides and to you, bridegrooms. Do bear them in mind. Comprehend them with your conscience. Master the life which belongs to good mind. May you each win the other through righteousness.' Zarathushtra tells them to remain united and to strengthen and promote the universal fellowship of the Good Religion (S 17 = Y 53, sts 3-7).

The last blessing given by Zarathushtra near the end of his successful mission of 47 years put the finishing touches to his divine task: 'May the desired Fellowship come for the support of the men and women of Zarathushtra, for the support of good mind, so that the conscience of every person earns the choice reward – the reward of righ-

teousness – a wish regarded by the Wise God' (Y 54.1).

The Haptanghaiti of seven short 'yasnas' and next in importance to the Gathas further clarifies the position held by woman in the Gathic society. Advocating learning, practicing, and preaching, it says: 'The more a man or woman knows the truth, the better. He or she should zealously practice it and preach it to others so that they practice it accordingly' (H 1 = Y 35, st 6). It venerates the 'womenfolk ... who belong to You, God, on account of their righteousness.' (H 4 = Y 38, st 1). Indeed it venerates the helpful law-abiding righteous, 'born in whatever land, both men and women, whose good consciences are growing, have grown, or shall grow ... good men and women (who are) incremental, eternal, ever-gaining, ever-growing ... who live a life of good mind' (H 5 - Y 39, st 2-3).

Zarathushtra prayed: 'May good rulers, not bad rulers, rule over us with actions of good understanding and serenity' (S 13 - Y 48, st 5), and his immediate successors rightly added: 'May a good ruler, man or woman, rule over us in both the (mental and physical) existences' (H 7 - Y 41, st 2).

It was this ordinary love and respect shown by Asho Zarathushtra to his men and women that created the tradition of commemorating outstanding men and women on the Memorial Day, the Farvardegâân or Muktââd, at the end of the year. The Farvardin Yasht, a post-Gathic Avesta text, venerates the names of 261 persons, sixteen of whom are married women and eleven are maidens. This gives us a much higher proportion of women in the front lines of a religious order than in any other religion in its early stage, or even today. Keeping in mind the universality of the Zarathushtrian message in view, the Yasht then turns to human beings of every land and states in separate paragraphs: 'We venerate the righteous men ... we venerate the righteous women of Aryan countries, ... Turanian countries – Sairimyan countries ... Saini countries ... Dahi countries ... and of all countries, ... the righteous men and women, who (were) foremost in accepting the divine doctrine and first to listen to the divine teachings, who won for the cause of righteousness, who have been successful in establishing homes, districts, settlements, countries, who have been successful in learning the thought-provoking message, who have been successful in improving their souls, and who have been successful in obtaining all that is good' (Yasht 13.143-151).

Conclusion

The Gathic doctrine places man and woman on fully equal status in all religious and social affairs, more than what is observed and practiced in modern 'advanced' societies. But the post-Gathic period, particularly when the entire indigenous population of the Plateau was completely assimilated with their age-old-hard-to-die customs, things took a turn. Women were not regarded highly by certain factions of the very late Avestan people.

Chronologically the Avesta speaks about her decline in favor of an egocentric man of authority, but never to a revolting degree. Taboos could not rob her of her position. There is not a single sentence in the Avesta that would belittle woman. Even the Vendidad does not make any derogatory remarks about her. She continued to be venerated in all the daily prayers on par with man. And she continued her normal life as nmâânopathni, the mistress of house.

Whatever the past, time has come to turn to the divine Gathic doctrine to comprehend her true and rightful status. It is direly needed in order to reestablish the 'Fellowship of men and women of Zarathushtra ... highly regarded by Ahura Mazda' in a progressing world. It proudly and placidly places the Zarathushtrian women ahead of others and that too without resorting to any 'liberation' task. The Gathas are the resort. Let us all, men and women, turn to them.

Ten steps towards a healthier year!

By Barsam Kasravi, MD, MPH, Clinical Instructor, Harvard Medical School

As Norouz approaches this spring, it's always a good idea to form a list of things you might change about your life to help make you a healthier person. These changes can be small, but over the year they will make a big difference in your overall well-being. This list below is simply a suggestion of some of the things you can do to get started towards a healthier you!

1. An apple a day. It is recommended that we eat 3-5 servings of fruits and vegetables per day. The benefits of fruits and vegetables include a reduction in the risk of cancer, stroke, heart disease, diabetes, obesity, kidney stones, and high blood pressure. Take an apple to work, get vegetables instead of fries at a restaurant, or treat yourself to a fruit salad for dessert.
2. Try to exercise as much as possible. The American Heart Association recommends 30 minutes of moderate physical activity daily. Physical activity has been proven to reduce blood pressure by up to 10 mmHg, result in weight loss, and lower the risk of heart disease and diabetes. Take the stairs next time you are going upstairs, walk to the grocery store, or go swimming on a hot summer day.
3. Get a good night's rest. More than two-thirds of adults suffer from sleep problems. This can have negative effects on your physical and mental health. Evaluate your sleep and see a doctor if you feel your sleeping could be improved. There are many tests and treatments for sleep problems that they can recommend to help you get the sleep your body needs.
4. Eat fish and Omega-3 Fatty Acids. The American Heart Association recommends two meals per week high in fish and Omega-3 Fatty Acids. Certain fish, such as mackerel, lake trout, herring, sardines, albacore tuna, and salmon are rich in certain types of these fatty acids. Eating fish regularly has been shown to potentially reduce your risk of heart disease and stroke.
5. Focus on reducing one bad health habit over the year. We all have bad habits we want to eliminate. Some people smoke, others eat late at night, while others watch too much television. Focus on one bad habit, and try to reduce it over the year. Giving up one can of soda per week, or one fast food dinner per week, can add up to significant

health benefits over the course of 365 days.

6. Drink 6-8 cups of water per day. Water is essential to almost all functions of our body. Drinking water regularly will help digest food, get rid of toxins, and keep your body balanced of nutrients. Next time you have a choice between soda and water, try to choose water and see how good it makes you feel.
7. Take care of your teeth. Dental hygiene is very important to a person's health. Brushing your teeth and flossing have been directly correlated to a person's health and life expectancy. Make sure you brush your teeth and floss daily as part of your morning and night routine.
8. Visit your doctor every year. Most people only visit their doctors when they are sick or have a question. However, it is important to visit your doctor to discuss how to prevent future diseases. They can offer you vaccines, changes in your medication, and recommended screening tests such as colonoscopies, mammograms, or blood tests. This visit could potentially save your life.
9. Don't worry...be happy. The effects of stress have been shown to contribute to depression, anxiety, heart disease, stroke, high blood pressure, and other chronic illnesses. Take time to evaluate your stress level, and discuss this with your family and/or doctor. You could relieve stress by exercising, meditating, or simply finding new ways to laugh during the day.
10. Find time to focus on yourself. As life grows more complex with aging parents, a growing family, and having children, many people understandably begin to focus on others more than themselves. In doing so, they sometimes forget about themselves and their well-being. Take time out of your week to evaluate your own health needs. Remember, if you are not healthy first, you cannot help the people around you that you care about.

**Happiness on to those
who bring happiness to others**

"Gathas"

Maazda Realty



Gul Iranpur
BROKER/OWNER/REALTOR

Serving Los Angeles, Orange & Riverside Counties

*For a list of homes in area of your choice visit

www.orangecountyhouseinfo.com

*To check on the value of your home, visit

www.homesandloans4u.com

*We are one stop Real Estate Office,
with Mortgage & Escrow Divisions.

Contact Us Today!

Toll Free: 1-888-789-6778

Fax: (562) 802-1082

email: Gul@GulIranpur.com

www.GulIranpur.com

13017 Artesia Blvd., #D-116, Cerritos, CA 90703

(CA. DRE LIC #01522214)

An Interview with Deputy District Attorney

Tasha Soroosh

By Nima Patel

Tasha Soroosh was born in Casper, Wyoming to Iranian-American parents. She grew up in Nevada, California and Delaware, and in 1998 received her undergraduate degree in Political Science and Psychology from Bryn Mawr College, Pennsylvania. She graduated from the University of San Diego Law School in 2001 and has been practicing law professionally since 2003. She is currently a Deputy District Attorney with the San Bernardino County District Attorney's Office, and lives in Rancho Cucamonga.

Nima Patel: What made you want to pursue a career in law?

Tasha Soroosh: 'A law degree is one of the most versatile graduate degrees you can possess. Even if you never practice as an attorney, it assists with daily life, with everything from buying a house to reviewing a contract to negotiating with others. I knew I wanted to be an attorney, and I realized that even if I didn't practice law it would be a helpful degree. There are more people with law degrees (as opposed to other graduate degrees) who do not work in the area of law. There are so many opportunities afforded you as an attorney, with so many areas to specialize in, that it is worth the three years it takes to get a degree. Also, medical school seemed incredibly hard!'

NP: What made you want to be a prosecutor and not a defense lawyer?

TS: 'During law school, I clerked for both a DA's office and a public defenders' office. I found defense work frustrating in that the defendants were, for the most part, very ungrateful. This country is amazing. Even if you are here in an undocumented status, you are afforded our constitutional rights. You are innocent until proven guilty. You are provided a free defense attorney if you cannot afford one. You have the right to have witnesses subpoenaed on your behalf. All of these privileges are what make this country so wonderful. Knowing that other countries are not so generous, I found it difficult to deal with ungrateful defendants. Additionally, as prosecutors, we get to wear what is referred to as the "white hat". Essentially, we are paid to do justice and fight for victims. Where else can you remove criminals from the street and attempt to make victims whole, and get paid for it? It is a demanding but rewarding job.'

NP: You recently prosecuted and won a DUI case against Kimble Anderson, who pleaded 'legal necessity' as she had just been attacked in her home and feared for her life. I thought it was very interesting. Is this your most recent case?

TS: 'It was my second to last trial. I had a domestic violence trial after it where the female was the defendant. She was on trial for traumatic injury to her male spouse. It was interesting because there are so few domestic violence cases with male victims.'

NP: How long do typical cases last for you?

TS: 'The Kimble Anderson case was over the course of three weeks. Most trial departments only hear trials on three to four days a week. That is because they handle other calendar matters the remainder of the time. Most of my trials have lasted between two to eight days. Picking a jury is usually 25 percent of that time. In the last year I have had eleven jury trials, ranging from DUIs to hit-and-runs, domestic violence and under the influence of methamphetamine.'

Zubin Mehta:

A Musical Zoroastrian

By Bobby Bliss



He was the youngest man to conduct the Vienna Philharmonic and the Berlin Philharmonic, the youngest to become music director of a major American orchestra, the first and, so far, the only music director of the Israel Philharmonic. His debut in London, on the night of Sir Thomas Beecham's death, was the first time any person from the former dominion of India had appeared with a major British orchestra.' (Zubin, *The Zubin Mehta Story*)

More than a millennium ago, after the Muslim conquest of Persia, Zubin Mehta's ancestors found refuge in India. Zubin Mehta was born there in 1936, on the first anniversary of the formation of the Bombay Symphony by his father, Mehli Mehta. Growing up in India, he developed a devotion to his father's passion, music. He was able to use his talents to take him around the globe conducting the greatest orchestras. 'In Israel, Zubin has gone out of his way to involve himself and his orchestra with that nation's struggle for survival. During the anti-Vietnam war movement in America, he organized volunteer orchestras to play concerts for peace on California campuses.'

Mehta is a proud Parsee and humble conductor. Few can reach the level of musical success he has achieved, but even fewer have used this position of influence to make a difference. Zubin uses music as a tool to please ears, touch hearts, and heal spirits. Years ago, the late Hans Swarowsky foreshadowed Mehta's fame by claiming that one day his pupil would be 'a great figure in the history of music'. Today, Zubin Mehta's story inspires us.

NP: I assume that your job occupies most of your time, but do you currently do anything else law-related?

TS: 'I volunteer for the Mock Trial Program in San Bernardino every year. Each year high schools sponsor a team to participate in the program, with the winner going on to state and national competitions. I act as an attorney scorer, providing feedback to the students. However, that's it. Being an attorney, especially a trial attorney, is all-consuming. The district attorney's office is a trial firm. Over 80 percent of the trials in this country are criminal trials. Ask a civil attorney how many trials they have done in their career, and you will hear about five to ten. Ask a criminal attorney, and it will be in the hundreds. Being a deputy district attorney means the work comes in waves. When you are in trial, you are all-focused, working all day and every weekend. When you are out of trial you play catch-up and have time to relax. Being a newer attorney, I have focused my attention on my career. All newbies have dues to pay in their profession.'

NP: What do you do during off days?

TS: 'When I am not in trial (which has been only about five weeks out of the last year), I visit my sister in Los Angeles (she is in the PhD program in French Literature at UCLA), or my parents in Las Vegas and Colorado. I also have a number of friends in San Diego who I try to get out and see. And of course there's shopping. But mainly I catch up on errands and try to have dinner with friends.'

NP: Is there a goal that you have not reached career-wise?

TS: 'Refining my trial skills. I go to about two to three conferences a year through my county and through the California District Attorney's Association. These are all in order to stay on top of the current law and to master different trial techniques, such as cross-examination or impeachment of witnesses. There is always something new to learn and some skill which needs to be mastered. Law is an ever-evolving body of case rulings by various courts. Every day, the state of the law which may apply to your case could change. Knowing the current law and understanding how it applies to you, being able to explain that to a judge and jury, that is a constant challenge.'

NP: What is it about your profession that you love the most?

TS: 'The challenge of the work and the independence. I make decisions including whether or not to file charges against a defendant, how to put a case together and what offer to make a defendant. Each case is different. Each affects many lives. The knowledge that I have an impact is the most exciting. I also love that my office has such great camaraderie. All the attorneys share knowledge, advice and helpful hints. No one is secretive with their work product, hoping they will make partner, as in some civil firms. Everyone has an area they take an interest in, develop and research, and as a result share that knowledge with others.'

NP: Is there anything else we should know about you?

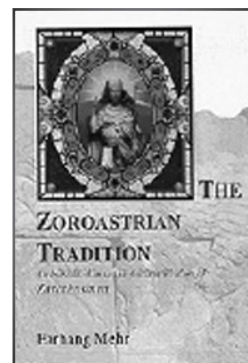
TS: 'I am privileged to be interviewed for this paper. Iranians, both those of my parent's generation who emigrated, and our first-born generation, are one of the most educated minority groups. We have a positive impact on this society. My parents are examples of that. I am who I am today because of the values my parents instilled in me. My father is a retired neurosurgeon, and my mother worked as a housewife and his office manager. Every opportunity was afforded to my sister and me, and I am continually grateful for the privileged life I have been allowed to lead. I also feel that I am extremely lucky to have been born a female in the United States. I have the best of both worlds. I am truly lucky.'

The Zoroastrian Tradition:

An Introduction to the Ancient Wisdom of Zarathushtra

by Dr. Farhang Mehr

This book is concerned with the doctrinal beliefs of the practising Zoroastrians examined within the frames of the Gothic principals. Variances in the current practice are considered. The doctrinal changes are explained in the light of socio-political forces operating in each distinct historical



era. In this exercise no scholarly speculation is taken on face value.

The common mythology of the Indo-Iranian people has been used to explain the process of reintroduction into the younger Avesta of the Indo-Iranian deities in the form of Yazatas. Our starting point is that Zoroaster preached a new religion. He broke away from the rituals associated with the worship of many deities and Daevas. He rejected the idea of the divine descent of the religious and civil leaders and rulers, and invited people to stand against injustice. The author outlines the forgotten spiritu-

ality of Zarathustra and shows how it has influenced the Abrahamic Religions. The reader is initiated into the Gathic principles of the Avestan and Pahlavi sacred texts, 'Asha' the principle of God's will, the moral dualism of good and evil, the creative Holy Spirit of Spenta Mainyu, the immortality of the soul, the principle of refreshment, and the final triumph of Goodness. Dr. Mehr was born in Tehran, Iran.

He served as president of Pahlavi University of Shiraz under the late Shah, Deputy Prime Minister, and Governor of Iran in OPEC. He is a founder of the World Zoroastrian Organization and of the Ancient Iranian Culture Society. He was also president of Zoroastrian Anjuman in Tehran for twelve years. Dr Mehr is a Professor Emeritus of International relations at Boston University. He resides with his family in Newton, Massachusetts.

Published by Mazda Publishers, 2003: xiii+164pp, Index.

ISBN:1-56859-110-1 (paper): \$15.00



NOWRUZ

AROUND THE WORLD



Tajikistan



AZARBAYJAN



SAN JOSE, CA



NEW YORK

